



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
السلام

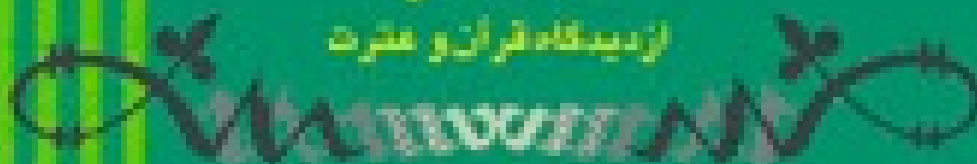
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

حکمت اللہ

Theology in Qur'an & Tradition

خدا شناسی

از دیدگاه قرآن و سنت



تالیف: دکتر محمد الہی

یا نظارت: دکتر محمد بیستونی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداشناسی از دیدگاه قرآن و عترت

نویسنده:

محمد الهی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	خداشناسی از دیدگاه قرآن و عترت
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	الأهداء
۱۲	متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم
۱۴	مقدمه
۱۶	رهنمود قرآن برای خداشناسی
۱۷	قدرت بی انتها
۱۸	تفکر در جهان آفرینش
۱۹	خدای تعالی حق است
۲۱	خلقت انسان نشانه قدرت خداست
۲۳	پویایی آفرینش
۲۵	شگفتی های خلقت راهی روشن به سوی خداشناسی
۲۶	شناخت عظمت خدا از طریق توجه در آفرینش انسان
۲۹	وصول به مقام قرب الهی
۳۰	توحید ناب
۳۳	معرفت علوی
۳۶	آثار خداشناسی در حدیث قدسی
۳۹	معارف حقه
۴۰	پیمان متعهد
۴۲	مسیر خداشناسی در کلام امام سجاد علیه السلام
۴۷	کمال معرفت
۴۹	ترسیم معرفت

- ۵۱ آئینه خدانشناسی
- ۵۲ مقام رضا
- ۵۴ انوار معرفت
- ۵۵ بهترین اظهار بندگی خدا
- ۵۷ ویژگی انسان خدانشناس
- ۶۰ رجوع به غیر خدا مایه یأس و نومیدی است
- ۶۱ معرفت عملی
- ۶۳ مقام بندگی و خضوع
- ۶۴ خجالت و سرافکندگی
- ۶۶ بندگی خدا افتخار انسان
- ۶۹ عجائب خلقت نشان از عظمت خالق دارد
- ۷۱ تأمین رزق و روزی از ناحیه خداوند حکیم
- ۷۲ رزق مقدر
- ۷۵ وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۷۶ نصاب حکیمانه
- ۷۷ ایمان ثابت و عاریه
- ۷۹ مواهب معرفت ولایت
- ۸۱ معرفت حسینی
- ۸۲ حکیم علی الاطلاق
- ۸۵ علم یقین
- ۸۷ هدایت حقیقی
- ۹۰ بی نیاز حقیقی و نیازمند حقیقی
- ۹۲ آیا می توان خدا را با چشم دید ؟
- ۹۷ ثمره خدانشناسی شکر نعمت هاست
- ۱۰۶ فقر و بدبختی دستاورد کفر و ناسپاسی است
- ۱۰۹ ولایت معصومین علیهم السلام شجره طیبه خدانشناسی است

۱۱۲	خداشناسی در کلام علی علیه السلام
۱۱۲	خداشناسی در کلام علی علیه السلام
۱۱۵	۱. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی
۱۱۹	۲. برهان فطرت
۱۳۳	۳. برهان نظم
۱۴۷	۴. برهان علی
۱۵۰	۵. برهان معجزه
۱۵۶	۶. برهان فسخ عزائم
۱۵۸	فهرست منابع و مآخذ
۱۶۰	فهرست مطالب
۱۷۶	درباره مرکز

خداشناسی از دیدگاه قرآن و عترت

مشخصات کتاب

سرشناسه: الهی، محمد حسن، ۱۳۳۸

عنوان و نام پدیدآور: خداشناسی از دیدگاه قرآن و عترت / Theology in Quran tradition / تألیف محمد الهی با نظارت محمد بیستونی

مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: [۱۵۹] ص ۱۰×۱۴ س م

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴۸۳۹۹۵۳۰

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه ص [۱۵۱ ۱۵۲]؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: خداشناسی جنبه های قرآنی

موضوع: خداشناسی احادیث

شناسه افزوده: بیستونی محمد، ۱۳۳۷

رده بندی کنگره: BP۱۰۴ / خ۱۴۶ الف ۷ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴۴۷۱۶۹

ص: ۱

اشاره

إلى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحَّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بِهِجِهِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدَتِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ

الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وَوَلِدِ الْحُسَيْنِ لِأَسِيمَا بَقِيَّتِهِ اللَّهُ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ

الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ ،

الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ

الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدْلِلَ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدَّمَسْنَا

وَ أَهْلَنَا الضَّرَّ فِي عَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جُنْنَا بِبِضَاعِهِ

مُزْجَاهٍ مِنْ وَوَلَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَآوِفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مِنْكَ وَ

فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ

إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم

بسم الله الرحمن الرحيم

هر زمانی را زمانی است یعنی در بستر زمان خواسته هایی نو نو پدید می آید که مردم آن دوران خواهان آنند. با وسایل صنعتی و رسانه های بی سابقه خواسته ها مضاعف می شود و امروز با اختلاف تمدن ها و اثرگذاری هریک در دیگری آرمان های گوناگون و خواسته های متنوع ظهور می یابد بر متفکران دوران و افراد دلسوز خودساخته در برابر این هنجارها فرض است تا کمر خدمت را محکم ببندند و این خلأ را پر کنند همان گونه که علامه امینی با الغدیرش و علامه طباطبایی با المیزانش. در این میان نسل جوان را باید دست گرفت و بر سر سفره این پژوهشگران نشانند و رشد داد. جناب آقای دکتر محمد بیستونی رئیس هیئت مدیره مؤسسه قرآنی تفسیر جوان به فضل الهی این کار را بعهدہ گرفته و آثار ارزشمند مفسران را با زبانی ساده و بیانی

(۵)

ص:۵

شیرین، پیراسته از تعقیدات در اختیار نسل جوان قرار داده علاوه بر این آنان را به نوشتن کتابی در موضوعی که منابع را در اختیارشان قرار داده دعوت می کند. از مؤسسه مذکور دیدار کوتاهی داشتیم، از کار و پشتکار و هدفمند بودن آثارشان اعجاب و تحسینم شعله ور شد، از خداوند منان افاضه بیشتر و توفیق افزونی برایشان خواستارم. به امید آنکه در مراحل غیرتفسیری هم از معارف اسلامی درهای وسیعی برویشان گشاده شود.

آمین رب العالمین .

۲۱ ربیع الثانی ۱۴۲۵

۲۱ خرداد ۱۳۸۳

ابوالقاسم خزعلی

(۶)

ص: ۶

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ .

مبحثی که در پیش رو داریم، یکی از محورهای مهم رسیدن به کمال مطلوب و اوج تعالی و ترقی انسانیّت انسان می باشد، که علم به موارد باارزش آن، انسان را به کمال مطلوب آدمیت سیر می دهد، و این از اهداف والای انبیاء عظام حضرت حقّ بوده که مأمور به پیاده کردن و رساندن آن برای تعالی انسان ها می باشند تا از این طریق به اهداف و آرمان مقدّس خودشان نائل آیند و آن مبحث معرفت و شناخت خدا می باشد که در این راستا، اندیشمندان، بزرگان دین و علم و ادب و صاحبان خردمند اهل قلم، پیرامون آن مقالات و کتابهای مختلفی نگاشته اند. اما به نظر می رسد بررسی و تحقیق و کنکاش درباره چنین بحث مهمی، در این برهه

مقدمه (۷)

ص: ۷

از زمان که تهاجم فرهنگی دشمنان قسم خورده اسلام بیداد می کند، در هدایت نسل جوان مؤثر باشد.

شناخت و آگاهی، یکی از مقولات مهم در حیات بشری محسوب می شود. یک انسان وقتی می تواند خدای خود را پرستش نماید که معرفت و آگاهی کافی و کامل از ساحت مقدس خداوندی داشته باشد.

ثواب این قبیل تلاش های قرآنی را به ارواح طیبه حضرات بزرگوار چهارده معصوم علیهم السلام مخصوصا به روح مطهر و مبارک حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیهاالسلام و روح پاک برادر شهیدم حسین الهی و پدر بزرگوارم مرحوم حاج علی اکبر الهی (ره) تقدیم می نمایم.

محمد الهی

رمضان المبارک سال ۸۴ شمسی

(۸) خداشناسی

ص: ۸

قرآن کریم به عنوان بزرگ ترین و عالی ترین معرف می تواند به بهترین صورت ممکن و مطلوب ترین و کوتاه ترین راه، بشر را به معرفت حقیقی رهنمون گردد. و در تمامی مبانی اعتقادی، اعم از فردی و خانوادگی و اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، بهترین روشنگری را داشته باشد. قرآن در باب معرفه الله (جَلَّ جَلَالُهُ) باتجلی یکی از آیات مبارکش این چنین می فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلُوكِ الَّتِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (۱).

رهنمود قرآن برای خداشناسی (۹)

ص: ۹

به درستی که در خلقت آسمان ها و زمین و اختلاف شب و روز، و کشتی ها در دریا به سود مردم در جریانند، و در آنچه که خدا از آسمان نازل می کند (یعنی آب باران رحمت او که زمین را بعد از مرگش زنده می سازد) و از هر نوع جنبنده در آن منتشر می کند و گرداندن بادها و ابرهایی که میانه آسمان و زمین مسخرند، آیات و دلیل هایی است برای مردمی که تعقل کنند.

قدرت بی انتها

یکی از مهم ترین ابزار شناخت دقیق حضرت حق، تفکر و تعقل در آفرینش جهان هستی می باشد. برای شناخت حیّ سبحان که خالق جهان هست، همین بس، که از راه خلقت آسمان و زمین و آنچه فیما بین آن دو وجود دارد، پی به حقیقت مقدّس او ببریم. به تعبیر دیگر باید گفت هیچ ذره ای از ذرات جهان هستی،

(۱۰) خداشناسی

اعمّ از آسمان و زمین و کوه ها و دریاها و غیره، از حیثه قدرت او خارج نیست و

ص: ۱۰

هر چه هست، از آن او و در یدِ قدرت لایزالی اوست. کدام قسمت از آسمان و زمین و کدام لحظه از لحظات شبانه روز، که از حرکت زمین به دور خورشید ناشی می شود، که هر صاحب عقلی را متحیر می گرداند، از نظر او غایب است.

تفکر در جهان آفرینش

نظاره کردن به کرات آسمانی و اجرام متشکله و ترکیبات به وجود آمده در زمین و آسمان، انسان صاحب معرفت را به ذات هستی بخش رهنمون می فرماید. اختلاف در شب و روز، و کم و زیاد شدن آن ها، و اختلاف ساعت ها و روزها و هفته ها و ماه ها در دوران سال که از دو حرکت وضعی و انتقالی ناشی می شود و هر سه ماه یکبار حرکت انتقالی یا به سمت شمال می رود یا به طرف جنوب، که این دو حرکت تغییر شبانه روز و فصول مختلف را موجب می شود، آیا این ها نمی تواند دلیل بر معرفت به ذات کبریایی محسوب شود و صاحبان خرد و

تفکر در جهان آفرینش (۱۱)

ص: ۱۱

اندیشه را با تفکر در آفرینش به شناخت حقیقی هدایت کند؟ آیا زمینی که در عالم نجوم به صورت بیضی شکل تعبیه شده، همه موجودات را به حال آرامش و سکون در روی خود به اعتبار قدرت لایزالی حضرتش جای داده، و هر موجودی بر مبنای موقعیت زیست محیطی خود و زندگی مخصوص به خود، چه در دریا و چه در خشکی و چه در هوا، زندگی خود را سپری می نماید، دلایل قوی بر شناخت و معرفت خداوندی نخواهد بود؟

خدای تعالی حق است

علامه طباطبایی (ره) نسبت به شناخت و آگاهی به ساحت مقدّس خداوندی، تعبیر بسیار جالب و ارزشمندی دارند. ایشان می فرماید: «خدای تعالی خود حق است و حقی که هر موجودی را تحقّق می دهد». شناخت حق بودن حق تعالی از ذره ذره موجودات هستی نشأت گرفته، تا آخرین و بزرگ ترین موجودات

(۱۲) خداشناسی

ص: ۱۲

هستی». «ذَلِكَ بِإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: آن به درستی که خداوند حق است و به درستی که زنده می کند مرده را و به درستی که بر هر چیزی قادر است». خلقت انسان و گیاه و تدابیر امر آنها، از نظر حدوث و بقاء و هم از نظر خلقت و تدبیر، امری است دارای واقعیت، که هیچ کس نمی تواند در آنها تردید کند، مراد به حق، خود حق است. بلکه می خواهد بفرماید: خدای تعالی خود حق است، حقی که هر موجودی را تحقق می دهد و در همه چیز نظام، حق را جاری می کند. پس همین که خدای تعالی حق است و هر چیزی تحققش به او است و سبب شده که این موجودات حقه و نظام های حقه، حق جاری در آن بوجود آید و همه این ها کشف می کند از اینکه او حق است. (۱)

خدای تعالی حق است (۱۳)

ص: ۱۳

۱- تفسیر المیزان، جلد ۲۸، صفحه ۲۰۷، ذیل آیه ۶ / حج.

خلقت انسان نشانه قدرت خداست

«يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ . الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ : ای مردم ! پروردگار خویش را که شما و پیشینیان شما را آفرید پرستید ، شاید پرهیزکار شوید . و او خدائی است که زمین را قرار داد برای شما فرش و آسمان را بنا کرد و از آسمان برای شما آب فرو فرستاد و با آن آب ، میوه ها برای روزی شما پدید آورد . پس با اینکه می دانید، برای خدا شریک قرار ندهید» . (۱) خطاب آیه مبارکه به مردم است ،

(۱۴) خداشناسی

که بفهمند و بدانند که در حقیقت شما خودتان به وجود نیامدید و این خلقت شما

ص: ۱۴

۱- ۲۰ / بقره .

به خودی خود تحقق نیافته است . علل و معالیل مختلفی ای صورت پذیرفته تا وجود یافته اید ، بلکه آباء و اجداد شما هم به اعتبار قدرت و عظمت ما خلق شده اند و هر آنچه به وجود آمده ، از قدرت خداوندی است . شاید درک عظمت و قدرت ما ، شما را به پرهیزگاری و تقوای حقیقی وادارد .

عظمت خلقت نشان از خالق توانا دارد

و در ادامه آیه می فرماید : «برای خداوند باید تقوی پیشه کنید ، که زمین را برای شما فرش قرار داد و گسترده نمود و آسمان را سقف و بنائی عظیم که آب را از آن فرو می فرستد (تراکم ابرها) و بارش باران بر فراخنای گستردگی زمینی که در ظاهر همانند فرش است ، ثمرات و میوه ها برای شما از آن خارج می کنیم (به وسیله خاک ، املاح خاک ، نور خورشید ، آب)» . بعد از شرح موارد خلقت می فرماید : «برای خالق که چنین آسمانی و آن چنان زمین که این همه

عظمت خلقت نشان از خالق توانا دارد (۱۵)

ص: ۱۵

منفعت برای شما و جهان دارد، شریک و هم‌تأ‌قرار ندهید. زیرا در نظام هستی، نظم حیرت‌آوری وجود دارد، که اگر به تفکر و اندیشه بنشینید و به صانع حکیم و قادر آن بیندیشید، خواهید فهمید که شما و نیاکان و هر آنچه در طبیعت به دست قدرت او خلق شده، رزق و بقاء همه را یک وجود مقدّس و کبریائی، که با هیچ چیز شبیه نیست، آفریده است.

پویائی آفرینش

برای آگاهی بیشتر و بهتر نسبت به معرفت‌کردگار و تسبیح‌کائنات و آمد و شد خورشید و ماه و رسالت باد و ابر و باران و شکوه و عظمت کوهساران و دریاها و درختان، آواز مرغان خوش‌الحان و گیاهان رنگارنگ و میوه‌های الوان، مراحل تکوین جنین و خلقت از خاک و بطور کلی نیایش بندگی و خلوص بندگان پاکباز در مناجات‌های پرتین‌شبان، تماماً گویای حقیقتی بس شگرف از

وجود و عظمت خداوندی است .

(۱۶) خداشناسی

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش ازل بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار
کوه و دریا و درختان همه در تسبیح اند نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
خبرت هست که مرغان سحر می گویند آخر ای خفته سر از خواب جهالت بردار
تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار
که تواند که دهد میوه ایوان از چوب یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار
پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار
نیک بسیار بگفتیم در این باب سخن و اندکی بیش نگفتیم هنوز از بسیار(۱)

پویائی آفرینش (۱۷)

ص: ۱۷

۱- ذکر جمیل سعدی ، ص ۲۵۳ .

این بود کلام سعیدی در باب معرفت حق تعالی . تمامی این معارف ، برای جذب معرفت حقیقی حیّ سبحان است و او خود می خواهد ، که مخلوقش به نام انسان را به اعتبار شناخت حقیقی ، به سر منزل مقصود هدایت فرماید . تمامی آیات قرآنی ذیل ، مسائل مطرح شده در فوق را جواب قطعی می دهد و سرّ حقیقت معرفت به سوی خداوندی را در مسیر رشد و تکامل انسان قرار می دهد .

شگفتی های خلقت راهی روشن به سوی خداشناسی

«وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» : و هر آینه ، زینت آسمان دنیا به چراغ های (ستارگان و ماه و کواکب) آن است .(۱)

«إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» : به درستی که زینت داده

ص: ۱۸

است پروردگار شما، آسمان دنیا را به کواکب و ستارگان» (۱). نگاه کردن به آسمان در شب و نظاره کردن به کواکب و ستارگان با آن زینت ترسیم یافته از ناحیه قدرت حضرت حق انسان را به شگفتی و تعجب و تفکر در امر خلقت وامی دارد و ایمان باطنی را به تحرک و تکامل به سمت و سوی معبود سوق می دهد و به درجات بالایی معرفت می کشاند.

(۱۸) خداشناسی

شناخت عظمت خدا از طریق توجه در آفرینش انسان

یکی دیگر از راه های رسیدن به اوج معرفت حق تعالی، سیر در آفرینش انسان از بدو خلقت تا مراحل مختلف و پرورش نهایی در رحم مادر و تولد اوست، که همواره دفتر معرفتی است که در جهان گشوده شده. و در قرآن عظیم، برای

شناخت عظمت خدا از طریق توجه در آفرینش انسان (۱۹)

ص: ۱۹

تفکر انسان بارها متذکر آن شده ، تا انسان با نگرش عمیق در مراحل آن ، به ساحت مقدّس کبریائی آگاهی و شناخت پیدا کند .

«الْمَ يَكُ نُطْفَةٍ مِنْ مِيٍّ يُمْنِي» : آیا آدمی در اول قطره آب نطفه نبود ؟^(۱) وجود اولیه انسان قبل از نطفه ، خاک است . اما در این آیه مبارکه ، موجودیت یک انسان که از نجاست به صورت جسم متجلی می شود ، از ناحیه حیّ سبحان در کتاب عظیم القدرش (یعنی قرآن کریم) آورده است .

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ^(۲). ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» :
و هر آینه خلقت انسان از خاک ، سپس این خاک طیّ مراحل مختلفی به عنوان نطفه و از نطفه به .

(۲۰) خداشناسی

ص: ۲۰

۱- ۳۷ / قیامت .

۲- ۱۲ / مؤمنون .

علقه و از علقه به مضغه و بعد از آن استخوان و روی استخوان را گوشت پوشانده ایم» . (۱) این سیر اجمالی و بسیار دقیق و منظم نظام تکوین انسان ، ما را به معرفت ذات اقدس حق رهنمون نمی نماید ؟ کوچک ترین ذرات وجودی انسان ، تا بزرگ ترین اندام آن از اعضاء و جوارح متشکله دارای شعور تکوینی در مسیر تکامل هستی تعیین شده از ناحیه حیّ سبحان (جَلَّ جَلالُهُ) می باشد و دگرگونی های مختلف و حساب شده ای که در کالبد انسان هر از چند گاهی تحقّق می یابد ، حکایت از معرفت ذات کبریائی در قالب ظاهری و باطنی انسان دارد ، که انسان را با معرفت ذات احدیتش و مراتب و مراحل آن آشنا و آگاه می سازد . و لذا هر فرد که دارای معرفت حقیقی باشد ، نسبت به کسب آن ، درجاتی را سپری

ص: ۲۱

نموده است. پیامبران و اولیای خاصّ حضرت حق (عَزَّ اسْمُهُ) و اوصیاء پیامبران ، هر کدام براساس داشتن معرفت و مراتب آن ، در مرتبه ای از مراتب حقیقت معرفت سکنی گزیده اند .

وصول به مقام قرب الهی

عاشق به لقاء الله ، نه از آب خوشگوار لذتی می برد و نه میلی به غذا و تنعمات مادی برایش اهمیّت دارد و نه می خواهد که سر به بالین نرم گذارد و نه در خانه ای می تواند مأوی گزیند و نه اصلاً در آبادی سکونت می پذیرد و خلاصه هیچگونه قرار و آرامی ندارد . و دائماً به عبادت و راز و نیاز با معشوق (حضرت باری) مشغول است و با زبان شوق ، رازهای درونی خود را با محبوبش در میان

ص: ۲۲

می گذارد (۱). حضرت موسی علیه السلام عرضه داشت: «پروردگارا! شتابان به سویت آمدم تا راضی شوی». حالِ درونی حضرت موسی را، پیامبر عظیم الشان اسلام چنین بیان فرموده است: «موسی در خلال چهل روز که رفت و برگشت، از شوقی که به پروردگارش داشت، نه غذا خورد و نه آب آشامید و نه خواب به چشمش رفت و نه میلی به این چیزها در او پیدا شد» (۲).

(۲۲) خداشناسی

توحید ناب

توحید ناب (۲۳)

ذات اقدس حقّ تعالی (عَزَّاسَمُ) با هر چیزی هست، نه این که همراه او باشد بلکه هر چیزی قائم و پابرجا به اعتبار اوست و غیر از هر چیزی است، یعنی

ص: ۲۳

۱- لقاء الله امام خمینی (ره)، ص ۳۷ و ۳۸.

۲- لقاء الله امام خمینی (ره)، ص ۳۶.

هیچ چیز مثل او نیست. اما این به آن معنی نیست که از آن چیز یا چیزها فاصله داشته باشد. زیرا اگر فاصله از چیزی بگیرد، آن چیز، چیزی نخواهد بود، چون وجود یا حیات یا قوام آن چیز به اعتبار حضرت ربوبی (جلّ جلاله) خواهد بود و نگاهدارنده هستی ذات ازلی اوست. در ادامه می فرماید: «فاعل است و فعل از او صادر می شود، نه این که فعل و انفعال و یا انتقالات از حالی به حالی صورت پذیرد.

زیرا حرکت، از لوازم جسم است و جسمیت از او مبرّی می باشد و نه فاعلیت به معنی وسیله. چون اگر صدور یا صادر شدن فعل به کمک وسیله ای انجام شود، نیاز او به غیر خودش را به دنبال دارد و این نقص محسوب می شود و ذات واجب الوجود از این مسایل مبرّاست. بی آن که چشمی باشد، بصیر و بینا بوده. هنگامی که هیچ چیزی از آنچه

را که آفریده نبوده، و منفرد است و تنها بوده. هنگامی که سکنی نبوده تا به آن مانوس شود و وحشت نکند از تنهایی.

(۲۴) خداشناسی

در حال که شناختی او را و کمال معرفت به او یافتی، بدان که اوست خداوند قهار و بزرگی که به قدرت کامله خود تمامی اجرام جهان را آفریده و به قدرت لایزالی خود، به آن ها قوام و استمرار هستی می دهد» .

توحید ناب (۲۵)

ص: ۲۵

امام علیه السلام به اعتبار ولایتش، و بر مبنای استقرار یافتن بر سکوی عصمت و طهارت و به اذن الله می داند، که وسعت رحمت حضرت حق (جل و علا) آنقدر گسترده و جهان شمول است، که اگر بندگان خدا با شیوه التماس و التجاء و تملق و اصرار و پافشاری به درگاه ربوبی عاجزانه و خاضعانه به راز و نیاز بنشینند، پاسخ لبیک خواهند شنید.

زیرا این مسیر را امام معصوم علیه السلام بر اساس معرفت و آگاهی خالصش می داند، و در این راستا هم او می داند که ارتباط و اتصال عالم فانی و عالم باقی و نشئه دنیا و آخرت، چگونه و چطور به هم آمیخته و ناگسستگی، و اصلاح دو سرای از طریق راه و رسم این بزرگواران میسر خواهد بود. به قسمتی از فراز دعای پرنور و طراوت کمیل (علیه الرحمه) که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به او یاد داده

(۲۶) خداشناسی

ص: ۲۶

است توجّه فرماید. «یا رَبِّ قُوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَ اَشْدُّدُ عَلٰی الْعَزِيْمَةِ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشِيَّتِكَ، وَ الدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ بِعِدْمَتِكَ، حَتَّى اَسْرَعَ اِلَيْكَ فِي مَيَادِيْنِ السَّابِقِيْنَ» (۱)، ای پروردگار من! اعضاء و جوارح مرا در طاعت و بندگی خویش قوی گردان، و دلم را در عزیمت به سوی خودت راسخ و محکم فرما، و ترسیدن و خاشع بودن به حضرتت را به من عطا فرما، و در صرف کردن عمرم به طاعت و بندگی خودت، مداومت و کوشش نما، تا در میدان های مختلف، از جمله سبقت گیران به سمت تو باشم.

هیچ جایی از زندگی انسان و حتی جهان، از حیطة و کانون قدرت حضرت حقّ خارج نیست. هر چه هست از اوست و تمامی جهان به سوی او در حرکت است.

معرفت علوی (۲۷)

ص: ۲۷

۱- دعای کمیل .

سرنوشت کائنات در دفتر لوح محفوظ، ثبت و ضبط است و کوچک ترین حرکت از انواع و تمامی موجودات، بر حضرت قیوم پوشیده نیست. و از میان سرنوشت افراد بشر که از کجا آغاز و به کجا ختم می شود و این موارد در شب های قدر قطعی می شود. اما آنچه در دفتر لوح محفوظ به ثبت رسیده، چه بسا در شب های قدر دستخوش تغییر و تبدیل گردد. و همچنین هر آنچه در شب های قدر تحقق یافته و مقدر و مسجل شده است، چه بسا در ایام سال دگرگون شود. ذات حق تعالی بعد از تقدیر و ثبت در دفاتر، باز هم صاحب اختیار در تغییر و تبدل است، (۱) و راه بندگان را برای یافتن معرفت به سوی خودش باز می دارد، تا با عبادت بیشتر و راز و نیاز مخلصانه تر، خواهان سرنوشت بهتری باشند.

(۲۸) خداشناسی

ص: ۲۸

۱- صحیح الکافی، ص ۶۴.

حضرت سبحان (عَزَّ اسْمُهُ) به پیامبرش حضرت موسی علیه السلام این چنین می فرماید: «يَا بَنَ آدَمَ إِذَا كَانَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ تَكَفَّلَ لَكَ بِرِزْقِكَ، فَطُولُ اهْتِمَامِكَ لِمَاذَا، وَإِذَا كَانَ الْخَلْقُ مِنِّي حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا، وَإِذَا كَانَ الْإِبْلِسُ عَدُوًّا لَكَ فَالْغَفْلَةُ لِمَاذَا، وَإِذَا كَانَ الْحِسَابُ وَالْمُرُورُ عَلَى الصَّرَاطِ حَقًّا فَجَمْعُ الْمَالِ لِمَاذَا» (۱)، ای پسر آدم! هرگاه خدایتعالی متکفل روزی تو می باشد، پس تو چگونه نگران و مضطرب از به دست آوردن و اهتمام بیش از حد روزی خود هستی؟ و هرگاه چنین است که من به راستی خلق کرده ام، پس بخل از روزی برای چیست؟ و هرگاه چنین است که شیطان دشمن من است، پس غفلت تو (موسی) برای چیست؟ (یعنی شیطان

ص: ۲۹

دشمن خداوند تعالی هست، حتما دشمن انسان ها نیز خواهد بود. پس چرا وقتی چنین است، انسان ها از او غافلند؟ (زیرا انسان در اثر غفلت و غرور منحرف خواهد شد) و هرگاه حساب (در قیامت) می باشد و گذشتن بر صراط حق است، پس جمع مال دنیا برای چیست؟

«وَإِنْ كَانَ عِقَابُ اللَّهِ حَقًّا فَالْمُعْصِيَةُ لِمَاذَا، وَإِنْ كَانَ ثَوَابُ اللَّهِ تَعَالَى فِي الْجَنَّةِ حَقًّا فَالِاسْتِرَاحَةُ لِمَاذَا، وَإِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَائِي وَقَدَرِي فَالْجَزَعُ لِمَاذَا، لَكِنِّي لَا تَأْسُوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ» (۱)، و هنگامی که عقوبت خدایتعالی می باشد، پس نافرمانی کردن حضرتش برای چیست؟ و هرگاه خداوند تبارک و تعالی بهشت را برای ثواب قرار داده است، پس استراحت کردن در دنیا برای

ص: ۳۰

چیست؟ و هر گاه هر چیزی بر مبنای قضا و قدر ترسیم شده است، بنابراین جزع و زاری و ناراحتی برای چیست؟ نباید محزون شوید، بر آن چه فوت شده از شما. و همچنین شادمان نگردید، بر آن چه به سوی شما می آید.

(۳۰) خداشناسی

آثار وجودی حقّ تعالی در جهان خلقت اعم از انسان و حیوان و گیاه و جماد و انجام فعل و انفعالات گوناگون در سراسر گیتی، و تغییر و تبدل شدن آن ها از حالتی به حالتی دیگر و نقل و انتقالات مُحَيِّرِ العقول آنان به صورت ذرات گوناگون از مشخصه های بارز معرفت و شناخت به ساحت ربوبی (حَيْلٌ جَلَالُهُ) محسوب می شود و از سویی دیگر، ارسال رسل و انزال کتب به عنوان قوانین لایتنعیر هستی، یکی دیگر از راه های مهم و مطمئن و غیر قابل تردید برای آگاهی و شناخت به سوی معبود است.

آثار خداشناسی در حدیث قدسی (۳۱)

ص: ۳۱

در این نوشتار برآنیم که مسیرهای مختلف معرفه الله را، حتی به صورت احادیث قدسی و همچنین رهنمودهای پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از طریق کتاب الله (قرآن کریم) و احادیث متقن و ادعیه مأثوره بازگو نمائیم. شاید همگی ما از خیر و برکت و رحمت بهره و نصیبی عایدمان گردد. و با استمداد از ارواح مطهره حضرات معصومین علیهم السلام و رحمت واسعه حضرت حق (جلّ و علا)، معرفت و شناخت به او و اولیاء گرامی او را دریابیم. شناخت ذات ربوبی در پرتو انوار قدسیه ائمه معصومین علیهم السلام تحقّق عینی می یابد. معصوم علیه السلام بر اساس علم لدّنی و عصمت و طهارت ذاتی که از ناحیه مقدسه حضرت حق (جلّ و علا) و به اذن او دریافت فرموده است، در هدایت تشریحی انسان ها با ابزار ایمان و عقل و وجدان و فطرت، مسیر نورانی معارف

حقّه را روشن می نماید، تا جنود کفر و الحاد و شیطان و نفس اماره نتوانند با القآت خود، طریق هدایت را مخدوش جلوه دهند. بدیهی است که جنود شیطان در قلب حقایق و معارف او از هیچ گونه کوششی دریغ نمی نمایند.

(۳۲) خداشناسی

پیمان متعهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ارتباط با برنامه انبیاء حدیثی بیان فرموده است، که نقل آن در این جا مناسب است. حضرت صادق علیه السلام می فرماید: «ما بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا حَتَّى يَأْخُذَ عَلَيْهِ ثَلَاثُ حِصَالٍ: الْأَفْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَخَلْعِ الْأَنْدَادِ، وَ أَنَّ اللَّهَ - يُقَدِّمُ مَا يَشَاءُ وَ يُؤَخِّرُ مَا يَشَاءُ»^(۱)، امام علیه السلام می فرماید: خداوند هیچ پیامبری را برنیانگیخت، تا این که پیمان گرفت که در برابر

ص: ۳۳

سه برنامه متعهد باشد:

پیمان متعهد (۳۳)

۱ به بندگی الله معترف باشد، اقرار و اعتراف به حقیقت ذات لایزالی را با تمام وجود یقین کند و در نشر این حقیقت از هیچ کوششی فروگذار ننماید.

۲ خداهای پوشالی را از خدایی خلع کند. یعنی با تمام قدرت و توان، از طریق معجزه علمی و فیزیکی، نسبت به محو انواع بت های ساخته شده به دست بشر، اقدام قوی و سازمان یافته بنماید.

۳ معترف باشد که خداوند تعالی هر آن و لحظه که بخواهد، می تواند برنامه ای را پیش از موعد مقّرر اجرا نماید و هر برنامه ای را که بخواهد، دیرتر از موعد مقّرر به اجرا گذارد.

حضرت امام علیه السلام از سه راه، مسیر شناخت و آگاهی انسان به سوی معبود را، طوری ترسیم فرموده اند که در حقیقت، انبیاء عظام می خواهند انسان ها را از

ص: ۳۴

مسیر سهل تر و آسان تری به معارف حقّه رهنمون گردند و این بهترین طریق شناخت حقّ تعالی (عَزَّ اسْمُهُ) می باشد، که ذات مقدّسش این چنین می خواهد.

(۳۴) خداشناسی

مسیر خداشناسی در کلام امام سجاد علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام در یکی از مناجات های خود، به نام (مناجات الشاکین) به گونه ای دیگر مسیر معرفت را بیان می فرماید:

«الهِی إِلَیْكَ أَشْكَو نَفْسًا بِالسُّوْءِ أَمَّارَةً، وَ إِلَی الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَ لِسَيِّئِ خَطِيئَتِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْتَلِمْكَ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ، وَ تَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ طَوِيلَةَ الْأَمَلِ». (۱)

خدای من! به سوی تو شکایت می کنم، از نفسی که به بدی فرمان می دهد و به

مسیر خداشناسی در کلام امام سجاد علیه السلام (۳۵)

ص: ۳۵

۱- مناجات الشاکین، از مناجات خمسه عشر، ص ۲۴۴، مفاتیح الجنان محدث قمی (ره).

سوی خطا پیش قدم، و برای سرکشی هایت حریص و آزمند است. و برای قراردادن در معرض خشم و غضب مرا به راه های نابودی می کشاند و در پیشگاه تو مرا خوارترین هلاک شدگان قرار می دهد. تعلل و بهانه گیری هایش بسیار زیاد و آرزوهایش طولانی است.

امام سجاد علیه السلام به اعتبار معرفت و شناخت والایی که از خالق و محبوب خود دارد، و از جایگاه رفیع و بلند حضرت باری اطلاع و آگاهی دارند، این چنین لب سخن می گشاید و ناله سر می دهد. و همین امام بزرگوار معصوم هست که ظرف آب برای وضو خدمتش می آورند، اما به دلیل داشتن درک حضور والای حضرت حق (جَلَّ جَلَالُهُ) یعنی همان پویایی در معرفت و کمال معرفت، آن قدر دستش می لرزد که ظرف از آب خالی می شود و مجبور می شوند ظرف آب دیگری برای حضرتش فراهم آورند. این که انسان بفهمد در حضور چه کسی است، و

(۳۶) خداشناسی

ص: ۳۶

می خواهد در برابر چه کسی رکوع و سجود کند، و چگونه باید راز و نیاز داشته باشد، خود یکی از اساسی ترین پایه های معرفت محسوب می گردد. «إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعْ، وَإِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعَ، مَيَّالَهُ إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوءَةٌ بِالْغَفْلَةِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَةِ» (۱)، می فرماید: «اگر زیان و شرّی به او (نفس انسان) رسد، بیتابی و خشونت از خود نشان می دهد و اگر خیری به او برسد، دریغ می نماید. به سوی بازی و سرگرمی و لهو و لعب بسیار مایل و خرسند، و از غفلت و فراموشی مملو و آکنده. و به سوی هلاکت و نابودی به سرعت حرکت می دهد، و از توبه کردن به درگاہت با تعلل و امروز و فردا کردن به تأخیر می اندازد». ای وای و صد افسوس، که چه بر سر این عمر

مسیرِ خداشناسی در کلام امام سجاد علیه السلام (۳۷)

ص: ۳۷

۱- مناجات الشّاکین امام سجاد علیه السلام ، همان مدرک .

عزیز آورده ایم، و نمی دانیم و ندانستیم که چگونه با این درّ ارزشمندتر از گوهر بر خورد کنیم!

«إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عِدْوًا يُضِلُّنِي، وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَسِ صَدْرِي، وَ أَحَاطَتْ هَوَا جِسْمَهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى، وَ يُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا، وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَى» (۱)

حضرت سید الساجدین علیه السلام به درگاه باعظمت کبریایی عرضه می دارد: «خدایا! به سوی تو از دشمنی که گمراه می کند، و شیطانی که به بیراهه مرا می برد شکایت می کنم. سینه ام را از خیالات باطل و فاسد پر کرده، و هوس هایش تمامی قلبم را فراگرفته و برای هوای نفسم دستیاری می کند. محبت دنیا را برایم

(۳۸) خداشناسی

ص: ۳۸

۱- همان، ص ۲۴۴.

آرایش می دهد و میان من و میان فرمانبرداری و تقرب به تو حایل می گردد».

«الهی إِلَیْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا، مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا، وَ بِالرَّيْنِ وَ الطَّعْنِ مُتَلَبِّسًا وَ عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَ إِلَى مَا تَسِيرُهَا طَامِحَةً» (۱)، معبودا! به سویت از دلی که قسی شده، و با وسوسه زیر و رو می گردد، و به زنگار و خودسری پوشیده شده، و چشمی که از گریه و ترس تو خشک و بی اشک شده، و بدانچه خوش دارد پرخروش و پرتحرک باشد شکایت دارم. امام علیه السلام بر اساس راز و نیاز واقعی خودش به درگاه ربوبی، که خود می داند چگونه و چطور نیایش کند، خاضعانه و خاشعانه از نفس مبارک خویش به درگاه با عظمت خداوندی شکایت می کند و عیوب نفس خود را با شناخت و معرفتی که نسبت به حرکات آن

مسیرِ خداشناسی در کلام امام سجاد علیه السلام (۳۹)

ص: ۳۹

۱- همان .

دارد بازگو می فرماید. باید بدانیم که امام معصوم علیه السلام به اعتبار عصمت و طهارتی که به طور ذاتی و فطری دارد، از هرگونه الم و آلامی مبرا است. اما او خود در برابر ذاتِ حضرت حق، وظیفه ای دارد که باید به انجام رساند، و ما نمی دانیم. هرکس بر مبنای معرفت و شناختی که نسبت به پروردگار خویش دارد، درد دل و راز و نیاز می کند و نفس خود را مورد عتاب قرار می دهد. که در این راستا حضرات ائمه معصومین علیهم السلام خود بهتر می دانند.

کمال معرفت

از جمله فرمایشات حضرت اباعبدالله الحسین سیدالشهداء علیه السلام که به عنوان خطبه بیان فرموده است، در ارتباط با معرفت و شناخت می باشد، حضرت چنین فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ - مَا خَلَقَ خَلْقَ اللَّهِ - إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ، وَاسْتَتَعَنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ. فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ -

(۴۰) خداشناسی

ص: ۴۰

عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ» (۱).

ای مردم! به درستی که خداوند، خلق خود را نیافریده است، مگر از برای آن که به او معرفت و شناخت پیدا کنند. پس زمانی که او را بشناسید، به عبادت و بندگی او قیام می کنند، (در مقام بندگی و عبودیت او برمی آیند) و به اعتبار عبادت و بندگی او، از عبادت و بندگی غیر از او (از هر چه غیر حضرت حق تعالی هست) بی نیاز می شوند (از جمیع ماسوی الله مستغنی می گردند) در این حال مردی گفت: «ای پسر رسول خدا! معرفت خداوند عزوجل چیست؟» حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام: «معرفت و شناخت اهل هر زمان، و آن این که امام خود را بشناسد و از او اطاعت و پیروی نماید، و این پیروی و اطاعت از امام زمان خود را واجب بدانند». خطاب

کمال معرفت (۴۱)

ص: ۴۱

۱- لَمَعَاتُ الْحُسَيْنِ، ص ۲، به نقل از ملحقات إْحْقَاقُ الْحَقِّ، ص ۵۹۴، ج ۱۱.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام به تمامی مردم است که: «این است و جز این نیست، که خداوند تعالی شما را خلق نکرده است، مگر برای دریافت معرفت. و این معرفت برای شما حاصل نمی شود، مگر از راه تعبد و عبادت خالصانه به درگاه حضرت حق (جلّ و علا). و چنانچه با خلوص و شناخت کافی عبادت متعال به انجام رسانید، موفق خواهید بود. و فقط عبادت خالصانه به درگاه اوست، که شما را از ستایش و بندگی دیگران باز می دارد».

ترسیم معرفت

این فردی که در وسط خطبه حضرت امام حسین علیه السلام سؤال می کند: «یا بن رسول الله این معرفتی که شما از آن سخن به میان آوردید، چگونه و کدام معرفت حق تعالی می باشد؟» حضرتش در جواب می فرماید: «معرفت و شناخت اهل هر زمان، که این آگاهی و معرفت زمان، مستقیماً و بدون واسطه با شناسائی امام و

(۴۲) خداشناسی

ص: ۴۲

رهبر و مقتدایی که واجب است از او پیروی و اطاعت کند، منتهی می شود». در حقیقت انسان در زمان خود، اولین شناختی که می تواند داشته باشد و باید به آن شناخت اهمیت خاص و ویژه ای قائل باشد، درک معرفت و شناخت به امام و رهبر خود می باشد. اگر فردی در زمان خود، امام و رهبر خود را شناخت، زمان و موقعیت خود را شناخته است. بنیان و اساس هر مکتب و مذهبی، بر پایه اصلی رهبران آن مکتب، و ایده و داشتن یک برنامه مدون و قوی استمرار می یابد، که می تواند مردم را به دور خود جمع کند؛ گرچه ممکن است برخی از این مکاتب، فطری و ذاتی هم نباشد، یعنی از ناحیه وحی بر مردم عرضه نشده باشد و بعد از مدتی از هم پاشیده شود، اما انتظام و نظم آن ها و هدایت کارهای اجتماعی آنان، بستگی به یک اصول مدون و برنامه ریزی مشخص و رهبران لایق دارد.

ترسیم معرفت (۴۳)

ص: ۴۳

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَبِّ مَا أَوَّلُ الْعِبَادَةِ؟ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الصَّوْمُ وَالصَّوْمُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَحْمَدُ أَتَعَلَّمُ مَا مِيرَاثُ الصَّوْمِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا- يَا رَبِّ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مِيرَاثُ الصَّوْمِ، قَلُّهُ الْأَكْلِ وَقَلُّهُ الْكَلَامِ. وَالْعِبَادَةُ الثَّانِيهِ: الصُّمْتُ وَيُورِثُ الصُّمْتَ الْحِكْمَةُ وَيُورِثُ الْحِكْمَةَ الْمَعْرِفَةُ وَالْمَعْرِفَةُ الْيَقِينُ» (۱).

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «پروردگارا! سرآمد عبادت ها چیست؟» خدای تعالی فرمود: «خاموشی و روزه داری». باز حضرت حق عزّاسمه فرمود: «ای احمد! می دانی نتیجه روزه چیست؟» عرض کرد: «نه پروردگارا». فرمود خدای سبحان: «نتیجه روزه، کم خوردن و کم گفتن است و عبادت دوم،

(۴۴) خدانشناسی

ص: ۴۴

عبارت است از خاموشی و خاموشی، حکمت را به ارث می گذارد و حکمت، معرفت را و معرفت یقین را» .

مقام رضا

«وَ إِذَا اسْتَيْقَنَ الْعَبْدُ لَا يُبَالِي كَيْفَ أَصْبَحَ بِعُسْرٍ أَمْ بِيُسْرٍ، فَهَذَا مَقَامُ الرَّاظِينَ، فَمَنْ عَمِلَ رِضَايَ أَلْزَمَتْهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَعْرِفْهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ، وَ ذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ، وَ مَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ» (۱)، و هنگامی که بنده ای به مرحله یقین رسید، تشویشی به دل راه ندهد که روزش در آسایش خواهد گذشت، یا در سختی. پس این حالت مخصوص کسانی است که به مقام رضا رسیده باشند. پس کسی که به رضای من عمل کند، سه خصلت به او عنایت

ص: ۴۵

۱- همان .

می کنم: شکری به او معرفی می کنم، که هیچ گونه جهلی به آن آمیخته نباشد و ذکری که با فراموشی نیامیزد، و محبتی که بر محبت من، محبت هیچ مخلوقی را مقدم نشمارد.

مقام رضا (۴۵)

مقام رضا که از ناحیه خداوند بر بنده ای عرضه می شود و او در عمل پیاده می کند، خود معرفتی است که حقیقت وجودی بنده را در پیشگاه حضرتش جلوه گر می سازد. و لذا معرفت به خلقت آسمان ها و زمین، معرفت به خالق و آفریدگار است و معرفت به تحولات گوناگون در جهان و آمد و رفت شب و روز، معرفت به ذات مقدس پدیدآورنده است و زمانی که معرفت به انسان تجلی می یابد، او را متعبد و معتقد می سازد و آنگاه که متعبد شد، با حال خضوع و خشوع، به درگاه حضرت حقّ به عبادت خالصانه می پردازد. و کسی که چنین حالتی پیدا کرد، خود رادائما در محضر دوست می بیند و آنگاه است که به معرفت

ص: ۴۶

قرب حضرتش نائل آمده است. در غیر این صورت، یعنی عدم وصول به معرفت حق تعالی و نشناختن او و عمل نکردن به اوامرش، نتیجه ای جز خذلان و خواری و عذاب نخواهد بود.

(۴۶) خداشناسی

انوار معرفت

حدیث معراج در ادامه سیرت و صورت رحمانیه موحد بامعرفت را این گونه ترسیم می نماید: «وَلَا جَعَلَنَّا مَلَكَ هَذَا الْعَبْدَ فَوْقَ مَلِكِ الْمَلُوكِ (۱) حَتَّى تَتَضَعُ مَضْعُ لَهْ مَلِكِهِ وَ... كُلَّ سَيِّطَانٍ جَائِرٍ وَ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يَتَمَسَّحُ لَهُ كُلَّ سَبْعٍ ضَارًّا وَ لَا شَوْقَنَّ إِلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَا فِيهَا وَ لَا اسْتَعْرِقَنَّ عَقْلَهُ بِمَعْرِفَتِي وَ لَا فَوْمَنَّ لَهُ مَقَامَ عَقْلِهِ» می فرماید: قدرت و سلطنت چنین بنده ای را، به طور حتم و یقین برتر از سلطنت

انوار معرفت (۴۷)

ص: ۴۷

۱- حدیث معراج، لقاءالله ص ۴۲ .

پادشاهان قرار می‌دهم، آن چنان که همه پادشاهان در برابر او سر فرود آورده، و هر چه پادشاه ستمکار و ستمگر کینه توز است، هیبت او را به دل گیرند و درنده‌های زیان‌گر، صورت بر قدم آن بنده بمالند و بهشت و هر آنچه را که در آن است، مشتاق او گردانم و خود به جای عقل او قیام کنم.

بهترین اظهار بندگی خدا

بهترین حالتی که مخلوق می‌تواند در برابر خالق داشته باشد و یا بنده در مقابل معبود، به سجده افتادن است که با راز و نیاز در آن هنگام، شکر و سپاس و تشکر خود را به درگاه خداوند اعلام نماید. پس بر بنده است که چون نماز گذاشت، سجده شکر به جای آورد و در این زمان است که خدایتعالی حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد. سپس می‌فرماید: «ای فرشتگان من! بنده مرا بنگرید، فریضه من که برعهده اش بود بجا آورد و عهدی که بسته بودم به اتمام

رساند و بر نعمت هایی که برای او ارزانی داشتم، سجده شکر نموده است».

(۴۸) خداشناسی

حضرت حقّ خطاب به فرشتگان که: «ای فرشتگان من! به نظر شما چه پاداشی به او دهم؟» فرشتگان گویند: «پروردگارا! رحمت را پاداش ده». پروردگار متعال می فرماید: «سپس چه؟» فرشتگان عرض می کنند: «مهمّاتش را کفایت فرما». پس پروردگار می فرماید: «سپس چه؟» پس چیزی از خیر نمی ماند، مگر آن که فرشتگان به عرض می رسانند. پس خدای تعالی می فرماید: «فرشتگانم! سپس چه؟» فرشتگان عرض کنند: «پروردگارا! ما دیگر چیزی نمی دانیم». پس خدای تعالی می فرماید: «حتما او را شکرگذاری خواهم کرد، همان طور که او شکر مرا کرد و با فضل خودم با او روبرو خواهم شد، و وجه

ص: ۴۹

خودم را به او خواهم نمایاند». (۱)

بهترین اظهار بندگی خدا (۴۹)

ویژگی انسان خداشناس

موجودی همچون انسان که مخلوق ذات باریتعالی است، از ناحیه خداوند، جز خیر و نیکی به او چیز دیگری واصل نمی شود و هر چه از جانب خداوند رسیده و می رسد، خیر محض است و در این خیر محض، کوچک ترین قصوری و کمبودی رخ نمی دهد، مگر آنچه از ناحیه خود انسان و اعمال او ناشی می شود. زیرا اعمال و رفتار بد و زشت که از القآت نفس اماره و شیطان سرچشمه می گیرد، موجبات هتک و بدبختی انسان را فراهم می آورد و چنانچه رفتار آدمی از دین و عقل و

(۵۰) خداشناسی

وجدان ناشی گردد، سبب خوشبختی و سعادت انسان می شود. در این جا بحثی

ص: ۵۰

۱- همان ، ص ۴۴ .

میان علمای اخلاق و متکلمین مطرح شده، که وجود انواع مشکلات و ناملايمات در زندگي انسان، به عنوان امتحان و بالابردن درجات او در مسير تکامل معنوی می باشد: «الهی تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَي مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ» (۱)، خدای من! سرپرستی و تصدّی امر مرا به عهده بگیر، و هرچه را شایسته خودت هست برای من پیش آور، و توجّه و عنایت خودت را به فضل خود بر من ارزانی فرما و بر گنهکاری که نادانی سراپای او را فراگرفته است، عنایت و امر خودت را حفظ کن.

انسان چه بخوهد و چه نخواست، در عالم معنی، سرپرستی و اختیار و امر او در ذیل قدرت حیّ سبحان قرار دارد و هیچ کس و هیچ چیزی نیست، مگر به حول و

ویژگی انسان خداشناس (۵۱)

ص: ۵۱

قوه حضرت باری و هر موجودی ذی شعور و فاقد شعور، در تحت سلطه و سیطره قدرت لایزال خداوندی است و بر همین مبناست که معصوم علیهم السلام به درگاه ربوبی دعا و نیایش و راز و نیاز می کند. زیرا که جهان در دو بُعد تکوین و تشریح، در ید قدرت خداوندی است. در نظام تکوین، هستی را خود به وجود آورده، و در هدایت و کنترل و نظارت آن، ذات باریتعالی مستقیماً و غیرمستقیماً حاضر و ناظر بر هستی، و هیچ موجودی حق تخطی از آن صراط مستقیم را ندارد. اما نظام تشریح که جهت تبیین شریعت حضرت حقّ می باشد، بعد از آگاهی از مسیر حرکت و یافتن طریق هدایت و انتخاب صحیح از ناصحیح، توسط انبیاء عظام و اولیاء گرامشان ترسیم می گردد. و لذا هرکس از مسیر صراط مستقیم که حضرت باریتعالی توسط انبیاء مشخص نموده خارج شود، منحرف شده است.

(۵۲) خداشناسی

ص: ۵۲

رجوع به غیر خدا مایه یأس و نومیدی است

امام صادق علیه السلام در یکی از دعاهای معروف خودشان، که در ماه رجب به درگاه خداوند تعالی راز و نیاز کرده اند این چنین نیایش می کنند، تا ابواب مختلف معرفت را به روی انسان های مشتاق بگشایند: «خَابَ الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ وَ ضَاعَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَّا بِكَ وَ أَجِدَبَ الْمُتَتَجِعُونَ إِلَّا مِنْ أُنْتَجَعَ فَضْلُكَ، بِأُكُ مَفْتُوحٍ لِلرَّاعِبِينَ، وَ خَيْرُكَ مَبْدُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مُبَاحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ نَيْلُكَ مُتَاحٌ لِلْأَمَلِينَ، وَ رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصَاكَ»^(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: «آن ها که بر در خانه غیر تو رفتند، ناامید شدند و آنان که جز تو را خواستند، زیان دیدند و آن هایی که جز به درگاہت روی

رجوع به غیر خدا مایه یأس و نومیدی است (۵۳)

ص: ۵۳

۱- مفاتیح الجنان، محدث قمی، ص ۲۳۰.

آوردند، تباه و نابود گشتند. آنان که غیر تو را یافتند، به بینوایی افتادند. درگاه توبه به روی مشتاقان باز است، و خیر و خوبی تو بر آن ها که بخواهند، بخشیده می گردد و فضلت، برای تقاضاکنندگان دایما روان است. و رسیدن به تو برای آرزومندان آماده، و روزی تو بر نافرمانان گسترده.

معرفی عملی

امام معصوم علیه السلام توحید و وحدانیت حضرت حقّ را، با لسان دعا به انسان ها گوشزد می نماید و راز اصلی حرکت به سمت پروردگار را بیان می فرماید، و نیازمند و محتاج بودن سایر موجودات، خصوصا انسان را مطرح می کند، که تمامی موجودات به ذات هستی بخش محتاج و نیازمند و امید به ذات حضرت حق از اساسی ترین محورهای زندگی انسان محسوب می شود و لذا چنانچه هر کس غیر از این عمل کند، رو به سوی محتاجان نموده و هر کس به نیازمندان روی

ص: ۵۴

آورد، بدان ها دلبسته است و این دلبستگی نوعی امید به وجود می آورد، که این امید موجبات ذلت و خسران و نابودی را برای انسان فراهم می نماید.

(۵۴) خداشناسی

بنابراین خصوصیتی که امام معصوم علیه السلام در فرازهای این دعا مطرح فرموده، به ذات هستی بخشی انطباق دارد، که از همه چیز و همه کس بی نیاز است. کدام فرد یا افرادی وجود داشته و یا دارند، که همیشه در گاه و بارگاهشان به روی مشتاقان باز باشد و فضل و عنایت آن ها دائما و به طور مستمر جاری و ساری باشد؟ چه کسی را سراغ داریم که روزیش برای آن ها که اطاعت نمی کنند، گسترده باشد. «وَجَلْمِكَ مُعْتَرِضٌ لِمَنْ نَاوَاكَ، عَادَتُكَ الْإِحْسَانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ، وَ سَبِيلُكَ الْإِبْقَاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ، اللَّهُمَّ فَأَهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ، وَ ارْزُقْنِي اجْتِهَادَ

معرفت عملی (۵۵)

ص: ۵۵

الْمُجْتَهِدِينَ» (۱)، خداوند تعالی در این دعا، مورد خطاب امام معصوم علیه السلام است، عرضه می دارد: خداوندا! شکیبائیست بر دشمنانت هم شامل می شود. راه و روش تو، نیکی به بدکاران است، و رفتارت آنچنان است، که به تجاوزکاران مهلت می دهد.

مقام بندگی و خضوع

امیر المؤمنین علی علیه السلام در فراز دیگری باب معرفت را به روی ما می گشاید: «إِلَهِي! فَالَكَ أَسْتَلُّ وَ إِلَيْكَ أَبْتِهَلُ وَ أَرْغَبُ وَ أَسْتَلُّكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُذَكِّرُكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَن شُكْرِكَ وَ

(۵۶) خداشناسی

لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ» (۲)، خدایا! از تو می خواهم و به سوی تو زاری و گریه می کنم، و

ص: ۵۶

۱- همان .

۲- صحیفه علویه، ص ۱۹۱، و مصباح المنیر، ص ۲۹۴ .

از تو می خواهیم که درود فرستی بر محمد و آل محمد. و مرا از کسانی قرار دهی، که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را سبک نشمارند. ما در زندگی روزمره خود، چقدر و چگونه به درگاه خداوند راز و نیاز داریم و چگونه و با چه دیدی به احکام حضرت باری (حَیْلَ جَلَالُهُ) می نگریم و عمل می کنیم، و آیا نسبت به اجرای احکام و دستورات حضرت حقّ بی تفاوت و کم اهمّیت هستیم؟! و یا بر اعمال ناقص و انجام شده خود، با غرور و تکبر نگاه می کنیم. ما کجا و بیانات ائمه دین و حرکات و گفتار آن بزرگواران کجا!

خجالت و سرافکندگی

ائمه معصومین علیهم السلام با آن مقام عظمت و شأن والا و جایگاه ارزشمند در پیشگاه حضرت حق و از سویی دیگر آن عبادات و نیایش های خالصانه و خاضعانه، در برابر حضرت ربوبی عرضه می دارند، خجالت و رسوایی بنده در مقابل

ص: ۵۷

ساحت کبریایی را چگونه می توان تحمل کرد، آن هم در برابر خلق اولین و آخرین؟

خجالت و سرافکندگی (۵۷)

امام صادق علیه السلام در یک حدیث زیبا این چنین می فرماید: «وَلَوْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِسَابِ مَهْوُلُهُ إِلَّا حَيَاءُ الْعَرَضِ عَلَى اللَّهِ وَ فَضِيحَةُ هَتِكِ الشَّرِّ بِحَقِّ لِلْمَرْءِ أَنْ لَا يَهْبِطَ مِنْ رُؤْسِ الْجِبَالِ»^(۱)، و اگر نبود برای موقف حساب هیچ هول و وحشتی، مگر خجالت و سرافکندگی عرضه شدن اعمال بر خداوند تعالی و رسوایی و پرده دری آن، سزاوار بود که آدمی سر به کوه نهاده و از فراز کوه ها و شهرها و آبادی ها فرود نیاید. رسوایی در قیامت در حضور خلق اولین و آخرین، و از این رسواتر این که در برابر خالق مهربانی که جز رحمت و بزرگواری و ستاریت در دنیا بر بندگانش هیچ نداشته است. اما در قیامت، سهل انگاری، بدرفتاری، توهین و

ص: ۵۸

۱- رساله لقاءالله آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی، ص ۱۸۰.

خیانت ها و جنایت های عظیم و زشتی های وحشتناک ما را به رخ می کشند، در صورتی که در دنیا کوچک ترین و کمترین اعتراف به گناه و شکستگی خاطر و اظهار ذلت و شرم زدگی (شرمندگی) در رخسار ما پدید نیامده.

(۵۸) خداشناسی

بندگی خدا افتخار انسان

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فخر بندگی خود را در پیشگاه حضرت حق این چنین ترسیم می فرماید: «الهی! کفی بی عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَيْدًا، وَ كَفِيَ بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (۱)، خداوندا! کافی است مرا این عزت که بنده تو هستم، و کافی است مرا این افتخار که پروردگار من هستی. بنده تو هستم و کافی است مرا این افتخار که پروردگار من هستی. «أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَأَجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ»، تو (خداوند جل و علا)

بندگی خدا افتخار انسان (۵۹)

ص: ۵۹

۱- کلمات ثلاث امیرالمؤمنین در مناجات .

چنانی که دوست دارم، مرا چنان کن که دوست داری.

یکی از تفضّلات حیّ سبحان به انسان این است، که او را بنده خود قرار دهد، یعنی زمینه بنده شدن و مطیع اوامر او گردیدن را برای بنده اش فراهم آورد و به طور کامل او را بنده خود نماید و چنانچه بنده به مقام بندگی حضرت حقّ نائل شد، مُخلصین در گاه محسوب شده است. و اگر بنده به چنین جایگاه رفیعی رسید، شیطان در برابرش اظهار عجز و ناتوانی می کند.

«فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِبُنَّهُمْ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ» (۱)، «شیطان گفت: «به عزّت و جلال تو قسم، که خلق را تمام گمراه خواهم کرد، مگر مخلصین و خاصّان از بندگانت، که دل از غیر تو بریده اند» .

(۶۰) خداشناسی

ص: ۶۰

یعنی افرادی که صددرصد تسلیم و راضی به رضای اوامر حضرت حق هستند، مغلوب شیطان نخواهند شد. زیرا بنده ای راست و مخلص می باشد، که واقعا عبد تمام عیار مولای خود باشد. یکی از راه هایی که انسان می تواند به معرفت بندگی دست یابد، راز و نیاز و دعا و نیایش به درگاه حضرت حق می باشد و بهترین مسیر جهت تحقق این هدف متعالی، ارتباط و اتصال داشتن به مناجات راز و نیازهای خالصانه و عاشقانه ائمه معصومین علیهم السلام است، که به عنوان الگو و ذخیره ای جاویدان جهت رسیدن به کمال مطلوب، انسان را به بهره مندی کامل می رساند.

بندگی خدا افتخار انسان (۶۱)

ص: ۶۱

عجائب خلقت نشان از عظمت خالق دارد

یکی از دانشمندان معروف جهان، در زمینه عوامل طبیعی مطالعات زیادی کرده است. او می گوید: «در تنظیم عوامل طبیعی منتهای دقت و ریزه کاری به کار رفته است، مثلاً اگر قشر خارجی کره زمین دو پا ضخیم تر از آنچه هست می بود اکسیژن، یعنی ماده اصلی حیات، وجود پیدا نمی کرد، یا هرگاه عمق دریاها چند یا بیشتر از عمق فعلی بود، کلبه اکسیژن و کربن زمین جذب می شد و دیگر امکان هیچ گونه زندگی نباتی و یا حیوانی در سطح خاک باقی نمی ماند».^(۱)

بنابراین عجائب و نشانه های روشنی که در زمین و اطراف آن وجود دارد، حکایت از یکتای مدبری است که در تمامی امور تدبیر او مشهود و آشکار است و

(۶۲) خداشناسی

ص: ۶۲

۱- برگزیده تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۵۴۰.

مدبریت او در خشکی و دریا و کوه ها و تل ها و چشمه ها و نهرها و معادن و اشجار و هرگونه سبزی و خشکی و غیره و منافعی که دارند یکسان است و این منافع به یکدیگر متصل و به نحوی سازگار با هم. و این نظام همچنان ادامه دارد و به صرف تصادف موجود نشده اند و در تمامی آن ها آثار قدرت و علم و حکمت نمایان، و می فهماند که خلقت و تدبیر امرش منتهی به خالق است مدبر و قادر و علیم و حکیم.

و لذا به هر سو از جوانب مختلف عالم نظر افکنیم، آئین روشن و برهانی قاطع از وحدانیت حضرت حق را مشاهده می کنیم، که برای اهل یقین و معرفت جلوه ها دارد.

عجائب خلقت نشان از عظمت خالق دارد (۶۳)

ص: ۶۳

تأمین رزق و روزی از ناحیه خداوند حکیم

در مورد رزق، صاحب المیزان، علامه طباطبائی (ره) در این مورد مطلبی دارند که آوردن آن برای خوانندگان ارجمند مفید خواهد بود.

ایشان در تفسیر چنین نوشته اند: «کلمه رزق به معنای مصدریش، روزی دادن و به معنای اسم مصدریش، عبارت است از هر چیزی که موجودی دیگر را در بقاء حیاتش کمک نماید، همانند غذایی که حیات بشر و بقاءش به وسیله آن امتداد پیدا می کند.

غذا داخل بدن آدمی و جزء بدن می گردد و به همین قیاس، هر چیزی که دخالتی در بقاء موجودی داشته باشد، رزق آن موجود شمرده می شود و این معنا واضح است که موجودات مادی، بعضی به بعض دیگر ارتزاق می کنند و نیز حیوانات با گیاهان و گیاهان با آب و هوا». و در ادامه این بحث چنین آورده که:

(۶۴) خداشناسی

ص: ۶۴

«این نیز روشن است که قضایی که خدایتعالی در جهان رانده، محیط به عالم است و تمامی ذرات را فراگرفته و آنچه در هر موجودی جریان دارد، چه در خودش و چه در اطوار وجودش، همه از آن قضا است و از این جا روشن می شود که رزق و مرزوق دو امر متلازم است که به هیچ وجه از هم جداشدنی نیستند.

رزقِ مقدر

پس رزق داخل در قضای الهی است، و داخل بودنش هم اولی و اصلی است نه بالعرض و تبعی و این معنای همین عبارت است که می گوئیم رزق حقّ است (۱)

یکی از ارزاق حضرت حقّ که رزق حقیقی می باشد و عدّه ای به شمار کم از آن بهره مند هستند، ارزاق علم و دانش و دین و فضیلت است.

رزقِ مقدر (۶۵)

ص: ۶۵

۱- تفسیر المیزان، ج ۳۶، ص ۲۸۲ و ۲۸۳.

حضرت مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت خود به کمیل بن زیاد نخعی (البته این بخشی از وصیت خود به کمیل است) چنین می فرماید: «سوگند به خدا که آنان از حیث شمار کم و بسیار اندک هستند و از حیث رتبه و منزلت در نزد خدای، بسی ارجمند و بزرگوارند، خداوند به وسیله آنان حجت ها و دلیل های روشن خود را حفظ و نگهداری می کند، تا آن که آنان امانت بسپارند آن را به امثال خود و بکارند آن را در دل اشباه خود، تا در دنیا از حجت خالی نماند، علم و دانش با حقیقت و بنیانی بر آنان یکباره روی آورده و با آسودگی و یقین بکار بندند» (۱).

این ها فراهایی از کمال معرفت است که از زبان مبارک عارف حقیقی و یگانه

(۶۶) خداشناسی

ص: ۶۶

۱- شرح دعای کمیل، زمردیان، ص ۸.

دهر، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جهت هدایت و ساخته شدن انسان و سیر به سوی انسانیت، صادر شده است. و لذا علم و دانش و دین یک رزق محسوب می شود، که حق است و به آن هایی که بخواهند و در مسیر قرار گیرند و سعی و تلاش نمایند می دهند. و ما برای این که معرفت و عرفان حقیقی و واقعی را بخواهیم کسب و دریافت نمائیم، تنها راه آن از طریق و مسیر گویای واقعی قرآن و احادیث و ادعیه ذاکیه ائمه هدی علیهم السلام خصوصا نهج البلاغه مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد، که خداوند تعالی هم به همین راه راضی و خشنود است. در این جا مجددا از وصایای امیرالمؤمنین علی علیه السلام روح و روانمان را به ترنم ولایت خوشبو می سازیم .

رزقِ مقدر (۶۷)

ص: ۶۷

سعید بن زید گفته است: روزی کمیل را ملاقات کردم و از فضل امیرالمؤمنین علی علیه السلام از او پرسیدم. کمیل گفت: «آیا خبر دهم تو را به وصیتی (سفارشی) که آن بزرگوار به من فرمود؟ و آن بهتر است برای تو از دنیا و آنچه در آن است» گفتم: «آری» گفت: علی علیه السلام به من فرمود: ای کمیل! نام بپر هر روز به نام خدا و بگو (بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ) و توکل کن به خدا.

ای کمیل! همانا خدا، رسولش را ادب آموخت و رسول الله صلی الله علیه و آله مرا تربیت فرمود و من مؤمنین را ادب (کمال) می آموزم و ادب را به مکرمین به ارث می دهم. ای کمیل! علمی نیست، مگر آن که من آن را افتتاح می کنم و راز سرّی نیست، مگر آن که قائم آن را به پایان می برد. ای کمیل! هیچ حرکتی نیست مگر این که تو در آن نیازمند و محتاج معرفت هستی (باید علوم را با شناخت و معرفت کافی

فراگیری و بدانی علوم برای چیست) ای کمیل! تندرستی از کم خوردن غذا و کم نوشیدن آب است.

(۶۸) خداشناسی

نصایح حکیمانه

ای کمیل! وقتی برای خدا با کسی مجادله می کنی، مورد خطاب قرار مده آنان که شبیه عقلا هستند (آن ها که فهم و درک دارند) و این سخن ضروری است. ای کمیل! در هر جمعیتی صنفی بالاتر و برتر از دیگرانشان است. بپرهیز از این که با افراد پست آنان مناظره کنی، و اگر سخنی ناروا به تو گفتند تحمل کن و از کسانی باش که خدایتعالی در قرآن عظیمش این چنین وصفشان کرده: «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَيِّئًا». و هنگامی که مورد خطاب نادانان قرار گیرند، پاسخشان را به مسالمت دهند. ای کمیل! در هر حال حقّ بگو و پشتیبان متّقین باش و از مردمان فاسق دوری گزین. ای کمیل! از منافقین کناره گیر و با خیانت کاران همدم

ص: ۶۹

مشو، و حذر کن از این که در دستگاه ظالمین راه یابی. ای کمیل! مؤمن آئینه مؤمن است، زیرا در او تأمل نموده، راه ناراحتی را بر او می بندد و به نیکویش می کشاند .

نصایح حکیمانه (۶۹)

ایمان ثابت و عاریه

ای کمیل! گفتار خدایتعالی را نگهدار، ای کمیل! فریفته و مغرور مشو به گروهی که نماز طولانی و روزه مداوم دارند و صدقه می دهند و پندارند که آن ها موفق هستند.

ای کمیل! همانا ایمان مستقر و مستودع است (ایمان ثابت و عاریه) بپرهیز از این که از آنان باشی که ایمانشان عاریت است. ای کمیل! هیچ وقت خالی از نعمت خدا و عافیت او نیستی، پس هیچ وقت و در هر حال از تحمید و تمجید و تقدیس و شکر و یاد او خالی مباش.

(۷۰) خداشناسی

ص: ۷۰

ای کمیل! دین برای خداست گول حرف های این امت فریب خورده را مخور که گمراه شد بعد از آن که هدایت یافت و انکار کرد، بعد از آن که قبول کرده بود (منظور حضرت مردمی هستند که حق ولایت و امامت را فهمیدند و شناختند اما به صورت آشکار و واضح منکر ولایت و امامت شدند) ای کمیل! فضیلت به دست خداست به هر کس بخواهد می دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است.

ای کمیل! همه به آخرت بازگشتشان است، آن که به آخرت راغب باشد برای او است ثواب خدای عزّ و جلّ و درجات بلند و بهشتی که آن را به ارث نمی برد مگر آن که متقی باشد [\(۱\)](#)

ایمان ثابت و عاریه (۷۱)

ص: ۷۱

۱- شرح دعای کمیل، زمردیان، ص ۱۱.

هر فرد و گروهی تحت هر عنوان و شخصیت علمی، که بخواهد از علم حقیقی و عرفان واقعی برخوردار گردد، می بایست از سرچشمه جوشان و پر فروغ آن، که از دریای مَواج و ذاتی علم و دانش بهره مند است استفاده نماید.

دریای خروشان و مَواج علم، از منبع ذاتی و علم مطلق که نزد حضرت حقّ جلّ جلاله می باشد، به جهان تسری می یابد، برای تسری و سرایت علم مطلق و تزریق آن، از ناحیه حضرت حق (به هر اندازه که مصلحت بداند) به جهان، که انسان ها و سایر موجودات به عنوان هدایت پذیری زندگی می نمایند، از طریق اولیاء و نخبگان و پیامبران و اوصیاء آنان و خصوصا از زمان پیامبری خاتم الانبیاء و شروع ولایت و امامت ائمه هدی علیهم السلام قابل دسترسی برای بشر خواهد بود و لذا اگر بشر بخواهد، به اندازه فهم و درک خود، از مواهب علم و معرفت بهره مند گردد،

(۷۲) خداشناسی

ص: ۷۲

می بایست از مکتب پرفیض انبیاء عظام و خصوصا پیامبر عظیم الشان اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام خوشه های علم و فضیلت و معرفت دریافت نمایند، همچنان که در هر عصری از اعصار، که متعلق به یک پیامبر و یا بعد از آن ها متعلق به معصومی بوده است عدّه فراوانی از افراد بافضیلت از محضر پرفیض و نورانی آن بزرگواران بهره ها برده اند.

که در این جا ما به یکی از چشمه های فروزان و باعظمت علم و معرفت اشاره می نمایم، و آن پنجمین معصوم و سومین امام شیعیان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است که با ناله های جانسوز و عارفانه اش در روز عرفه، بهترین و عالی ترین مسیر شناخت و آگاهی را در ارتباط با خداشناسی و توحید و جهان بینی و انسان شناسی و هستی شناسی و قیامت و خصوصیات قبل و بعد از مرگ را در دعای عارفانه خود بیان فرموده است.

مواهب معرفت ولایت (۷۳)

ص: ۷۳

بُشْر و بَشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند: عصر روز عرفه در عرفات، خدمت آن حضرت بودیم، که از خیمه خود با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع و خضوع در جانب چپ کوه (جبل الرحمه) ایستادند و روی مبارک را به سوی کعبه گردانیدند و دست ها را در برابر صورت مبارک گرفتند و همانند مسکینی که طعام طلب کند، به درگاه حضرت کبریایی عزاسمه این چنین دعا خواندند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَآتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعِ، لَا يَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيْعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ» (۱)

(۷۴) خداشناسی

ص: ۷۴

می فرماید: حمد برای خدایی است که برای قضایش دافعی و برابر عطایش مانعی نیست و همانند صنعتش صانعی نمی باشد و او جواد و بخشنده است و سعت بخش، که آفریده، و پدیده های گوناگون بیافریند و به حکمت خویش مصنوعات را متقن و مستحکم قرارداد، طلعه های هستی بر او پنهان نمی ماند و ودیعت های وجود نزد او ضایع نمی گردد.

حکیم علی الاطلاق

در برابر قضای حضرت حق، هیچ گونه مانع و رادعی قدرت پایداری ندارد، زیرا قضای الهی حتمی و لازم الاجراست و همانند قَدَر حق تعالی نیست، که بتوان به وسیله دعا و مقدرات دیگر و یا به اعتبار مصالحی قابل دگرگونی باشد. و چنانچه حضرت حق عزّ شأنه مشیتش تعلق گیرد، به هر کس و تحت هر عنوان

حکیم علی الاطلاق (۷۵)

بخواهد بخشش نماید، هیچ کس نمی تواند جلوگیری کند و هر آنچه حضرت

ص: ۷۵

ذوالجلال عزاسمه بیافریند، هیچ کس را قدرت خلقِ مثل آن را ندارد، زیرا آفریننده و صانع اصلی و حقیقی فقط اوست، و هم اوست که با قدرت لایزالی خودش هر آنچه به مصلحت بوده پدیده آورده و در بخشندگی وجود، گفتار و فکر و اندیشه نمی گنجد، او حکیم علی الاطلاق است که مصنوعات و مخلوقات خود را با دوام و با استقامت در مسیر تکامل خودشان قرار داده است و آنچه به عنوان ودیعه در جهان هستی مستقر فرموده است، نزد او ضایع نمی گردد.

حضرت امام حسین علیه السلام در ادامه دعا چنین فرموده است: «جَازِي كُلِّ صَانِعٍ، وَ رَاشٍ كُلِّ قَانِعٍ، وَ رَاحِمٌ كُلِّ ضَارِعٍ، وَ مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَ الْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ»^(۱) پاداش دهنده هر سازنده (به هر کس که چیزی را اختراع نماید و پدید

(۷۶) خداشناسی

ص: ۷۶

۱- دعای عرفه، مفاتیح محدث قمی، ص ۵۱۴.

آورد و بسازد و یا کاری را صورت دهد مزدی و پاداشی می دهد) و سامان بخش هر قناعت و مهربان بر هر راز و فرودآورنده سوده‌های بی شمار و کتاب گسترده و فراگیر، که به نوری درخشنده است، خداوند تبارک و تعالی پاداش هر عملی را که فردی یا افرادی در جهان طبیعت انجام دهد، خواهد داد، برخی را در همین دنیا و برخی دیگر را در آخرت، آن‌ها که از نظر دین و فضایل دینی بهره‌ای ندارند، یا به طور کلی بی دین هستند، جزای آن‌ها را در همین نشئه عطا می فرماید، اما آنان که به جهان آخرت ایمان دارند و از توحید و دین و انجام اعمال عبادی بهره‌مند هستند، به صورتی در این دنیا و به صورتی در آخرت و یا به طور کلی بر مبنای مصالحی در آخرت عنایت می نماید.

حکیم علی الاطلاق (۷۷)

ص: ۷۷

«وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَ لِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ، وَ لِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَ لِلجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَ لَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۱) می فرماید: و اوست شنونده دعاها و برطرف کننده گرفتاری ها و بالابرنده درجات و گردن شکن گردنکشان. پس نیست معبودی غیر او، و نه چیزی مساوی او نه چیزی همانند او و اوست شنوای بینای لطیف آگاه و او بر هر چیزی تواناست.

شنونده ای که تمام نواها و ناله ها و زاری ها و دعاها را به شیوه های گوناگون می شنود. گر چه این شنیده ها یا گفته های مختلف را خودش ابداع و ایجاد کرده

ص: ۷۸

است و از اول و ازل هم می داند که انواع صداها چه هستند و چگونه چیزی و درخواستی را دارند، اما نه از راه های حسی و مادی که یک موجود زنده مثل انسان از راه گوش می شنود، بلکه از راه های مختلفی که ما احساس درک آن نخواهیم کرد. جز در مواردی که افراد از علم الیقین و حق الیقین بهره مند باشند.

(۷۸) خداشناسی

یعنی می داند که حضرت حق عزّاسمه دعای او را می شنود و بر مبنای مصالحی یا جواب می فرماید و یا به مصلحت شخص به تأخیر می اندازد و در وقت مقرر دیگری جواب می دهد و یا به طور کلی، آن هم بر مبنای مسائلی جواب نمی دهد. و همچنین است در رفع کردن گرفتاری ها، که با شیوه های گوناگون از انسان های مختلف یا موجودات دیگر به سوی او نجوی می شود، که چگونه و بر اساس چه مصلحتی و چه مواردی که خودش صلاح می داند دفع بلا می نماید.

در بالابردن انسان ها در ابعاد ظاهری و باطنی حول و قوه او مطرح است،

علم الیقین (۷۹)

ص: ۷۹

هر کس که از راه ایمان و فضیلت به او منتسب می باشد، باید ارتقاء درجه علمی و اخلاقی و ایمانی خود را از او بخواهد و در حقیقت توفیق صعود به مدارج حقیقی ایمانی و علمی و اخلاقی را از ساحت مقدّس کبریایی او طلب نماید و با مجاهده و کوشش به آنچه او رضایت داشته باشد نایل می آید.

هدایت حقیقی

اما افراد و گروه هایی که خود را در پرتو نور هدایت او قرار نمی دهند و یا به عبارت دیگر خداخواه حقیقی نیستند، استمداد و سیر حرکت ترقی روزگار مادی آنان هم از راه مسیری که او (خداوند) می خواهد خارج است و دائماً به ورطه نابودی و اضمحلال کشیده می شوند، گرچه انسان به صورت ظاهر از عقل و شعور، که از ناحیه حضرت ذوالجلال (عزّ شأنه) همچون سایر نعمات به فضل و کرمش در وجودش تعبیه شده است و با همین ابزار مهمّ می تواند به اختراعات و

(۸۰) خداشناسی

ص: ۸۰

اکتشافات مهمّ برسد، اما هرچه در این جهان تحقّق می یابد، فقط و فقط به حول و قوّه خداوندی است، زیرا خودش در کتاب عظیم الشان قرآنش چنین می فرماید:

«الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (۱)، آنان که برای اوست پادشاهی آسمانی و زمینی، و خداوند است که بر هر چیزی گواه هست، بنابراین ایجاد و ابداع و کنترل و هدایت امور و اجرام، از کوچک ترین تا بزرگ ترین موجود و از ذی روح و غیر آن در ید قدرت حقّ تعالی (جَلَّ جَلالُهُ) می باشد و هیچ کس و هیچ موجودی قدرت تکبر و بزرگ منشی در بارگاه حکیم و قادر علی الاطلاق را ندارد.

حضرت امام حسین علیه السلام در ادامه راز و نیازش می فرماید: «وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ،

هدایت حقیقی (۸۱)

ص: ۸۱

فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ، وَلَا شَيْءَ يَغْدِلُهُ، وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (۱) خداوند گردن گردن‌کشان را می‌شکند و این اختصاص به ذات کبریایی حضرت حقّ عزاسمه دارد. (گردنکش و طغیانگر از فردی یا افرادی که از فرمان حضرت حقّ سرپیچی می‌کند اطلاق می‌شود، تا ستمگران متجاوزی که بر مردم بناحق و یا به حقّ «به نظر خودشان» ستم می‌کنند و اینان همان‌هایی هستند که گردن آن‌ها توسط خداوند قهار شکسته می‌شود و غیر از او هیچ‌کس نمی‌تواند قدرت ستمگران را مضمحل و نابود سازد. زیرا هیچ‌کس مثل او نیست و از سطح تجاوز طغیانگران مثل او هیچ‌کس خبر ندارد) و در اجرای عدالت و رساندن حقّ مظلوم از سوی ظالم، جز او کسی نمی‌تواند عمل به عدل حقیقی و صحیح نماید و به طور کلی

(۸۲) خداشناسی

ص: ۸۲

۱- دعای عرفه از کتاب محدث قمی (ره)، ص ۵۱۵.

هیچ کس با او (ذات کبریایی) قابل مقایسه در اجرای عدالت نیست، زیرا در هیچ بُعدی حضرت حق عزاسمه با انسان قابل مقایسه نیست، چون او خالق هستی هست و انسان یکی از مخلوقات ضعیف و ناتوان او.

بی نیاز حقیقی و نیازمند حقیقی

حضرت امام جواد علیه السلام در یک دعای کوتاه اما بسیار پرمحتوا، قابل مقایسه نبودن حقّ تعالی را با انسان نیازمند و ناتوان را بیان می فرماید: «یا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ اِكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي»، ای کسی که از هر چیزی کفایت می کند مرا، و هیچ چیزی از او کفایت نمی کند (و کفایت نمی کند هیچ چیزی مرا جز او) امر مرا و مهمّ مرا کفایت کن. تمامی موجودات و مخلوقات عالم اعم از نبات و گیاه و حیوان و انسان و جماد و هرچه هست خلقت یافته از ناحیه مقدس او هستند و به او (خداوند تعالی) نیازمندند و این نیازمندی و

وابستگی به او، برای ابد وجود دارد.

بی نیاز حقیقی و نیازمند حقیقی (۸۳)

بنابراین زمانی که موجودی نیازمند باشد، هیچ کس نمی تواند او را رفع نیاز نماید، مگر خالقش، و آن کس که او را پدید آورده است و طبیعی است که رفع نیاز نمودن، یعنی کفایت تمامی کارهای او را کردن که فقط از ناحیه مقدسه او امکان پذیر است و این بزرگ ترین دلیل بر غیرقابل مقایسه نمودن بشر با خالق اوست، که همانند این مطلب در کلام مبارک پنجمین معصوم و سومین امام شیعیان، یعنی حضرت حسین بن علی علیه السلام در دعای عرفه آمده است و چه تعبیر زیبا و بلندی است که از زبان مبارک معصوم صادر شده است تا معرفت و شناخت حقیقی را به ما بیاموزد.

(۸۴) خداشناسی

ص: ۸۴

آیا می توان خدا را با چشم دید؟

معرفت و شناخت حق به دیدن ظاهری حق تعالی نیست که العیاذبالله انسان با چشم ظاهری و یا با چشم سر بتواند خدا را ببیند، همچنان که قوم بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام بعد از آن که کوه طور برگشت و الواح تورات را برای هدایت آنان آورد، بنی اسرائیل به حضرت موسی علیه السلام اظهار داشتند این گفته های تو را و الواحی که آورده ای قبول نداریم، باید خدای تو را ببینیم و او (خدای تو) علنا و آشکارا به ما بگوید این فرد (موسی) پیامبر من به سوی شماست «وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ» (۱)، و به یاد آورید هنگامی که گفتید: ای موسی! تو را تصدیق

ص: ۸۵

نمی‌کنیم مگر آشکارا خدا را ببینیم، پس صاعقه ای شما را گرفت در حالی که شما می‌نگریستید .

آیا می‌توان خدا را با چشم دید ؟ (۸۵)

برخی مفسرین کلمه جَهْرَه (علنی) را صفت گفتار آنان دانسته، یعنی آن‌ها (قوم بنی اسرائیل) این سخن را صریحا و علنا به موسی گفتند که ما خدا را نبینیم تو را تصدیق نمی‌کنیم. (۱) این‌ها بهانه‌های اسرائیلی است که برای فرار از حکم خدا و توجیه کردن افکار و اندیشه‌های نادرست خود مطرح می‌کردند و در این زمان و هر زمان دیگر و همچنین برای مردم هر عصری که در مقابل احکام و حقایق خداوندی انکار و یا ضعف و ناتوانی نشان می‌دهند و یا نمی‌خواهند حکم خداوند تعالی را پیاده نمایند مطرح است.

(۸۶) خداشناسی

ص: ۸۶

۱- تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۸۱ .

افرادی که از نظر ایمان و تدین نسبت به دیگران ضعیف النفس هستند خیلی زود در برابر تهاجمات فرهنگی استدلالات بی محتوی بیگانه از دین و فطرت، خود را می‌بازند و این گونه افراد از معرفت دینی خارج و خود را از اجرای احکام و دستورات حق تعالی کنار می‌کشند و با بهانه های واهی و پوچ، کم کم روزنه عدم معرفت و آگاهی در وجودشان نمایان می‌گردد و هر از چند گاهی یاد خداوند و وجود او را منکر و در درازمدت صوری و ظاهری یاد و نام و آثار حق تعالی و به طور کلی زمانی فرامی‌رسد که ذات هستی بخش جهان آفرین را به صورت ظاهری منکر و برای قرار نگرفتن در حصار فطرت و دین به صورت ظاهری منکر ابدی می‌گردند و قوم بنی اسرائیل این چنین راهی را پیمودند، قرآن کریم در وصف آنان بنا به درخواست بسیار زشت و ناهنجارشان می‌فرماید: «فَقَدْ سَأَلُوا

آیا می‌توان خدا را با چشم دید؟ (۸۷)

ص: ۸۷

مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً» (۱)، پس به تحقیق از موسی بالاتر از این را درخواست کردند و گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان بده. در حقیقت باطن قوم بنی اسرائیل گویای حقیقت ذاتی حق تعالی بود، اما آنان برای فرار از دستورات حضرت حق و از زیر بار مسؤولیت شرعی و قانونی شانه خالی کنند، این بهانه ها و ایرادهای واهی را عنوان می نمودند و بدین ترتیب خود را از معرفت و شناخت و آگاهی فطری و ذاتی حق تعالی دور نگه می داشتند، زیرا انسان تا معرفت و شناخت به مبدأ آفرینش به طور منطقی و استدلالی پیدا نکند محال است

(۸۸) خداشناسی

به ایمان واقعی و حقیقی دست یابد، و لذا فرد با افراد و یا قومی که از ایمان حقیقی بهره ای نداشته باشند در کفران نعمات خداوند جلیل و کریم غوطه ور شده و با

ص: ۸۸

ناسپاسی کردن به درگاه حضرت حق، یعنی از محور دستورات او خارج شده و به طور گسترده عصیان و نافرمانی او می نمایند و این همان فقر معرفت دینی است.

محمدبن یحیی به نقل از برخی روایات در گفتگو با امام صادق علیه السلام نسبت باایمان مؤمن در پیشگاه خداوند و ثابت قدم بودن او می پرسد، می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم ممکن است که مردی کافر باشد و کفر او نزد خدا ثابت بوده باشد و بعدا خداوند او را از کفر به سوی ایمان سازد؟ حضرت جواب فرمودند: همانا خداوند عزّو جل همه مردم را بر فطرت توحید و آشنایی با حق آفریده است و براساس فطرت خالص قرار داده، نه از ایمان به شرایع و برنامه های مذهبی شناختی دارند و نه از کفر و انکار شرایع، با پشتوانه این فطرت، خداوند انبیاء را می فرستد تا بندگان او را به ایمان دعوت کنند تا در برابر این دعوت برخی از

رهبری الله بهره مند گردند و برخی هم از هدایت حق دور می مانند. (۱)

آیا می توان خدا را با چشم دید ؟ (۸۹)

بیشتر انسان ها در شناخت فطرت دچار مشکل می شوند و یا تردید می نمایند که این اشکالات و تردیدها، انسان را از درک حقیقت و معرفت ذات حق جدا می سازد و کسی که از راه فطرت خدایی نتواند معرفت حقیقی را کسب نماید واقعی دست نمی یابد.

نمره خدانشناسی شکر نعمت هاست

باید در حد توان و قدرت و هر اندازه که انسان می تواند شکر نعمت حضرت حق را به جا آورد. شکر نعمت به صورت سوری و ظاهری و زبان عادی باید

(۹۰) خدانشناسی

توسط انسان انجام شود تشکر و امتنان غریزه فطری و خدادادی است که

ص: ۹۰

۱- صحیح الکافی، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ دفتر ایمان و کفر .

حضرت حقّ در وجود انسان به ودیعت گذارده است و لذا انسان بعد از آن که فردی کاری را برای او انجام می دهد بازبان خود و اعمال و رفتار ظاهری از فرد خدمت کننده تشکر و قدردانی می نماید و این تشکر و قدردانی تا حدودی صاحبِ نعمت و خدمت را برای ادامه کارشان تشویق و ترغیب و از سوی دیگر، دیگران که شاهد چنین اعمال خیر و نیکویی هستند تشویق که به افراد هم‌نوع خود خدمت نمایند و از طرفی فردی که به او خدمت می شود خود را ملزم می نماید همان گونه که به او خدمت شده است به دیگران خدمت نماید، بنابراین سه عامل مهم در خدمت به دیگران از اساسی ترین عوامل ارتباطات انسانی و اجتماعی می باشد که در مذهب و اسلام وجود دارد و در فطرت انسان هم نهفته است بنابراین:

۱ تشکر از زحمات و خدمات فرد خدمت کننده موجب تقویت روحی و دینی و فکری او و خانواده و بستگان و دوستان و آشنایان و همچنین یادآوری و تذکر به

این که او هم در وقت مقرر و مناسب به دیگران خدمت نماید و در انتها و امتنان موجب یادگیری چنین حسنه و نیکوکاری برای دیگران خواهد شد.

ثمره خداشناسی شکر نعمت هاست (۹۱)

۲ تشکر و سپاسگزاری در انجام نیکوکاری و خدمت به دیگران، آنان را که شاهد چنین خدماتی هستند ترغیب و تشویق می نماید که از این گونه امور را انجام دهند و با خدمت به همنوعان و برکات حضرت حقّ جلّ جلاله قرار دهند.

۳ این سپاس ها و تشکرها و امتنان ها متعلق به ساحت مقدّس کبریایی است و در حقیقت هر کس از فرد یا افرادی که خدمتی کنند و اموری را برای افراد یا جامعه به انجام می رسانند و از آنان تشکر و قدردانی می شود، در حقیقت از صاحب اصلی نعمت یعنی حضرت ذوالجلال عزّاسمه سپاس و تشکر می نمایند و این برترین و عالی ترین سپاس و تشکر است و اگر انسان از خدمات دیگران تشکر و سپاس ننماید و در حقیقت از خداوند تبارک و تعالی و نعمت های بی پایان

(۹۲) خداشناسی

ص: ۹۲

او و سپاسگزاری نکرده است و لذا کفران نعمتی که از گناهان بزرگ محسوب می شود و نعمت از فرد یا افراد یا جوامعی که رعایت شرایط آن را نکرده باشند از سوی صاحب نعمت (حضرت حقّ جلّ جلاله) حذف و یا گرفته خواهد شد. بنابراین قرآن سرنوشت کسانی که در برابر نعمت های فراوان و بی شمار خداوند تعالی ناسپاسی را پیشه خود ساختند و سپاس و تشکر از انعام حضرت حقّ را به صورت عملی ننموده اند مستحقّ عذابی دردناک می داند. آری کفران نعمت و ناسپاسی در مقابل نعمت های الهی عذاب خداوندی را در پی دارد و این از سنت های الهی به شمار می آید. خداوند تعالی در سوره مبارکه نحل در آیه شریفه ۱۱۲ و ۱۱۳ با یک مثال جالب کفران کنندگان به نعمت های حضرت حقّ را این چنین ترسیم می فرماید: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا

ثمره خداشناسی شکر نعمت هاست (۹۳)

كَانُوا يَصِيحُونَ . وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ»، خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند) مثالی زده است. منطقه آبادی که امن و آرام مطمئن بود و همواره روزیش از همه جا می رسید، اما نعمت های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس بر اندامشان پوشاند، پیامبری از خودشان به سراغشان آمد، او را تکذیب کردند، از این رو عذاب الهی آن ها را فراگرفت، در حالی که ظالم بودند. (۱) در این آیات مبارکه چند عامل به عنوان نعمت مطرح شده است که مردم آن ها را کفران کردند و خداوند تعالی آن نعمت ها را از آن ها گرفت.

۱ اولین نعمت مطرح شده که در این آبادی یا قریه یا شهر چه شهر

(۹۴) خداشناسی

ص: ۹۴

۱- امثال القرآن، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۳۸۱ و ۳۸۲.

بزرگ و چه شهر کوچک که به منطقه آباد نامگذاری شده، امنیت آن است.

امنیت مهمترین نعمتی است که از ناحیه خداوند بر بشر ارزانی شده است و به همین خاطر حضرت حقّ این نعمت را بر دیگر نعمت ها مقدم داشته است. اگر امنیت در یک قریه یا یک شهر یا شهرهای بزرگ محقق نشود برنامه های اقتصادی سالم و خوب و همچنین فراگیری علم و دانش در محیط آرام امکان پذیر نمی شود و انجام تکنیک و صنعت مدرن و قوی و دقیق به نحو مطلوب سامان نمی یابد و خداوند در شهری که امنیت صحیح و قابل قبولی نداشته باشد عبادت نمی گردد.

در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که ملت سلحشور و مسلمان ایران به حول و قوه حضرت حقّ عزّاسمه و عنایات حضرت حجه بن الحسن العسکری ارواحنا فداه جنگ با پیروزی دلیر مردان ایران اسلامی و خاری و خفت دشمنان

ثمره خداشناسی شکر نعمت هاست (۹۵)

قسم خورده به پایان رسید، فراموش نکردیم که در آن زمان به دلیل خطرات گوناگون جنگی و موشک باران شهرها در هنگام نماز و وقت افطار و سحری زمانی که آذیر به صدا درمی آمد انجام هرکاری از جمله عبادت خداوند را به تعویق و یا با اضطراب و نگرانی به تعلیق و تعویق درمی آورد. بنابراین ارزشمندترین هدیه حضرت حق همان امنیت است که در صدر این آیه مبارکه آورده شده است و از سوی دیگر باید یادآور شویم که ایجاد امنیت و استقرار آن یک مطلب مهم و ادامه و استمرار آن امنیت مهمتر می باشد.

۲ دومین مطلبی که در این آیه مبارکه آورده شده است تأمین امنیت و آسایش در شهر و قریه است، باید به طور مداوم و پیوسته باشد، یعنی یک شهر آباد وقتی آبادی و عمرانش به طور مداوم و همیشگی حفظ می شود که امنیت آن هم ادامه یابد، ثبات و دوام در امنیت امری ضروری و حیاتی خواهد بود،

(۹۶) خداشناسی

ص: ۹۶

دعای ابراهیم خلیل الرحمان در زمانی که در سرزمین خشک و سوزان مکه وارد شد این معنا را کاملاً بیان می دارد «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (۱)

می فرماید: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده، و اهل آن را که به خدا و روز قیامت، ایمان آورده اند از ثمرات گوناگون روزی ده.

ملاحظه می فرمایید حضرت ابراهیم علیه السلام با ورودش به سرزمین مکه و استقرارش در آن اولین دعایی که به زبان جاری می سازد، درخواست امنیت و آسایش است. در قانون اسلام عزیز پراج ترین و ذیقیمت ترین ارمغان جامعه را امنیت و آسایش می شناسد و در مقابل آن بزرگترین و شدیدترین مجازات ها را

ص: ۹۷

برای افرادی قرار داده است که امنیت و آسایش جامعه را برهم زنند، یعنی هر کس امنیت جامعه مسلمین را مختل نماید و یا آسایش را از جامعه سلب کند مجازات او اعدام خواهد بود.

ثمره خداشناسی شکر نعمت هاست (۹۷)

۳ مطلب سوم در این آیه تأمین اقتصاد این قریه و شهر و تضمین رزق مردم که از نقاط مختلف فراهم می شود، زیرا وقتی امنیت برقرار شد، تأمین و تضمین اقتصاد هم به طور طبیعی فراهم می گردد.

۴ مورد مشخص در محور چهارم این آیه قراردادن نعمت معنوی در کنار سایر نعمت های مادی است، زیرا وقتی امنیت پایدار و سالم و اقتصاد اصیل و درست مستقر گردید. لازمه حکمت متعالیه حضرت حقّ این است که نعمت قوی معنوی را نیز به آنان عنایت فرماید تا از این طریق با ارشاد و

ص: ۹۸

هدایت مردم، آن‌ها را به رشد علمی و اخلاقی برساند و برای رسیدن به اهداف عالی خلقت مسیر آن‌ها را هموار نماید. (۱)

(۹۸) خداشناسی

فقر و بدبختی دستاورد کفر و ناسپاسی است

اما مردم این قریه یا شهر که در تفاسیر معتبر اسلامی آمده است، مقصور شهر مقدس مکه معظمه می‌باشد، به جای تشکر و سپاسگزاری در مقابل اهداء انواع نعمت‌های حضرت حق، کفران و ناسپاسی را با عمل و رفتار و گفتار پیشه خود ساختند و لذا در آیه مبارکه این چنین آمده است: «فَكَفَرْتُ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» (۲) مردم این قریه یا شهر به جای سپاس و شکرگزاری انواع و اقسام نعمت‌های بی‌شمار حضرت باری تعالی کفران نعمت

فقر و بدبختی دستاورد کفر و ناسپاسی است (۹۹)

ص: ۹۹

۱- امثال قرآن، آیه الله العظمی مکارم شیرازی، ص ۳۸۱.

۲- ۱۱۲ / نحل .

نمودند و از نعمت های خدادادی سوءاستفاده کردند و حریم نعمت های گرانبها را به وسیله گناه آلوده ساختند و به جای استفاده صحیح از نعمت های گرانقدر و بی دریغ حضرت حقّ و شناخت و درک مطلوب از آن ها، از طریق نعم الهی ظلم و ستم بپدیدآوری نمودند، و لذا بدیهی است که نتیجه این ناسپاسی عذاب سخت و شدید خداوند را در پی خواهد داشت و از این طریق خداوند طعم تلخ ناامنی و گرسنگی را به تمام معنا به آن ها چشانید به گونه ای که امتیّت به طور کلی از بین رفت و ناامنی بر آن ها مسلط شد و دزدان و غارتگران و اراذل و اوباش بر جامعه و مردم چیره شدند و در پی تزلزل امنیت، اقتصاد سالم آنان نیز متزلزل گردید(۱)

(۱۰۰) خداشناسی

ص: ۱۰۰

۱- همان، ص ۳۸۲.

آبادی چنان امن و امان و آسایش بود که ساکنان آن با اطمینان خاطر به زندگی روزمره خود ادامه می دادند و با حالت مطمئن از انواع روزی هایی که مورد نیازشان بود در اختیار آنان قرار داده بهره مند می شدند و نیاز به مهاجرت و کوچ کردن از محلی به محل دیگر را نداشتند، اما سرانجام با اعمال و رفتار خود، با کفران، فقر، تنگدستی را برای خود فراهم نمودند. انسان اگر عارف به حق باشد و از معرفت حقیقی بهره ای داشته باشد در برابر نعمت های حضرت باری سپاس و تشکر عملی و مادی و معنوی نشان می دهد و آنچه موجب کفران و ناسپاسی را پدید می آورد، انجام نمی دهد و حداقل در حرکات و سکنات موجبات ناشکری عملی از خود بروز نمی دهد.

فقر و بدبختی دستاورد کفر و ناسپاسی است (۱۰۱)

ص: ۱۰۱

ولایت معصومین علیهم السلام شجره طیبه خدانشناسی است

عمر بن حُرَیث از بعضی اصحاب از قول امام صادق علیه السلام ذیل این آیه مبارکه که در امر ولایت مطلبی را نقل کرده است که می آوریم:

«الَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»^(۱)، آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن ثابت و آن در آسمان است.

عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، قَالَ:

فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَا أَصْلُهَا وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

(۱۰۲) خدانشناسی

ص: ۱۰۲

عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ گوید: قول خدای تعالی را: مانند درخت پاکی که ریشه اش بر جا و شاخه اش سر بر آسمان کشیده از امام صادق علیه السلام پرسیدم حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله اصل و ریشه آن درخت است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرع آن و (تنه آن) و امامان از نسل آن ها شاخه های آن خداوند تبارک و تعالی محمّد و آل محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان کلمه طیب و طاهر به درخت تناور و پاک مثال زده است و کلمه خبیثه و ناپاک را به درخت ناپاکی که ریشه ندارد فرموده.

عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ (يَعْنِي فِي الْمِيثَاقِ) أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا،

ولایت معصومین علیهم السلام شجره طیبه خدانشناسی است (۱۰۳)

ص: ۱۰۳

قال: الأقرار بالأنبياء و الأوصياء و أمير المؤمنين عليه السلام خاصته، قال: لا ينفع إيمانها لأنها سليت (١).

هشام بن حَكَم از قول بعضی اصحاب و از قول امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزّ و جلّ که فرموده است ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند سودی به حالشان نخواهند داشت، از حضرتش سؤال کردم فرمود: مقصود، اقرار به پیامبران و اوصیائشان و امیرالمؤمنین علی علیه السلام به طور اخص و بالخصوص می باشد که خداوند فرماید: ایمان او را سود ندهد، زیرا ایمانش را سلب کرده است، حضرت علامه مجلسی (ره) در شرح این حدیث مطالبی را بیان داشته است نوشته است: مقصود از ایمان

(١٠٤) خداشناسی

ص: ١٠٤

١- همان مدرک، ص ٣٠٣ و ٣٠٤.

آوردن، اقرار به پیامبر صلی الله علیه و آله مقصود از کار خیر کردن در ایمان، اقرار به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است پی کسی که به پیغمبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده باشد، ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله از او صلب و هیچ گونه ارزش و سودی برای آن فرد با افراد نخواهد داشت.

خداشناسی در کلام علی علیه السلام

خداشناسی در کلام علی علیه السلام

در کلمات امیرالمؤمنین، استدلال بر وجود خدا به طور مستقل، کم تر مشاهده می شود و عنوانی تحت براهین اثبات وجود خدا، در کلمات آن حضرت نمی توان یافت. دلیل این مطلب می تواند دو امر باشد:

۱ امیر المؤمنین علی علیه السلام خداشناسی و خداجویی را امری فطری می داند؛ همان گونه که فرموده اند: خداوند قلب ها را با اراده و محبت خود، و عقل ها را با معرفت خود سرشته است: «اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَىٰ إِرَادَتِكَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ

خداشناسی در کلام علی علیه السلام (۱۰۵)

ص: ۱۰۵

عَلَى مَعْرِفَتِكَ» (۱). در جایی دیگر می فرمایند: «عَجِبْتُ لِمَنْ شَكَّ فِي اللَّهِ وَهُوَ يَرَى خَلْقَ اللَّهِ»؛ (۲) «من در شگفتم از کسانی که آفریدگان را می بینند، و در وجود آفریننده شک می کنند». این سخن برگرفته از آیه ای در قرآن است: «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۳)؛ «مگر درباره خدا، پدیدآورنده آسمان ها و زمین، تردیدی هست» .

۲ دلیل دیگر آن است که مخاطبان امیرالمؤمنین علیه السلام اشخاصی بودند که به وجود خدا باور داشتند. آنان بیشتر محتاج

تصحیح

(۱۰۶) خداشناسی

ص: ۱۰۶

۱- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۴۰۳، ح ۳۴؛ ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۱۵۴ .

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶ .

۳- ۱۰ / ابراهیم .

اعتقاداتشان بودند، نه تأسیس.

در لابلای کلمات امام می توان دلایلی را بر اثبات وجود خدا یافت که استاد فرزانه جناب آقای محمد محمود رضایی هفت دلیل بر اثبات وجود خدا در کلمات حضرت یافته است (۱)؛ هرچند که راه های منتهی به خدا، به عدد نفوس خلایق است. آن دلایل هفت گانه، بدین قرارند:

۱. برهان معقولیت ؛

۲. برهان فطری ؛

۳. برهان نظم ؛

۴. برهان علیّ ؛

ص: ۱۰۷

۱- دانشنامه امام علی علیه السلام ، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۲، ص ۱۲ .

خداشناسی در کلام علی علیه السلام (۱۰۷)

۵. برهان معجزه ؛

۶. برهان وجوب و امکان (حدوث) ؛ (۱)

۷. برهان فسخ عزائم .

۱. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی

یکی از راه های اثبات وجود خدا، معقولیت اعتقاد به او است ؛ زیرا آدمی را یکی از این دو راه پیش رو است: اعتقاد به خدا ؛ عدم اعتقاد به او. از سویی، هر یک از این دو لوازمی دارد. برای نمونه، کسی که به خداوند باور دارد، باید بپذیرد که چون خداوند حکیم است، انسان و جهان را بیهوده نیافریده است ؛ بلکه از آفرینش

(۱۰۸) خداشناسی

ص: ۱۰۸

۱- شرح این دلیل باتوجه به پیچیدگی بحث، در گزینش مطلب برای این کتاب حذف شده است .

آن دو، مقصودی دارد که همانا هدایت انسان و رساندن او به کمال نهایی خویش است؛ از این رو پیامبران را برای هدایت او فرستاده است. همچنین پس از این جهان، جهان دیگری وجود دارد که در آن انسان‌ها کیفر و پاداش اعمال خود را می‌بینند. بدین سان اعتقاد به خدا با اعتقاد به نبوت و شریعت و معاد توأم می‌شود. در مقابل، عدم اعتقاد به خدا، لوازمی دیگر، غیر از آنچه گفته شد، دارد.

حال اگر اعتقاد به خدا و لوازم آن را که سعادت ابدی در پی دارد در نظر بگیریم و آن را با ناباوری به خدا و لوازم آن بسنجیم، اعتقاد به خدا و لوازم آن را معقول تر خواهیم یافت؛ زیرا در صورت صحت اعتقاد به خدا، ما از منافع بسیاری برخورداریم و از شقاوت ابدی اجتناب ورزیده ایم؛ اما اگر معلوم گردد که چنین اعتقادی، خرافه و ناصواب است، نیز ضرر و زیانی نکرده ایم. بنابراین معقول آن است که اعتقاد به خدا و لوازم آن را بپذیریم.

۱. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی (۱۰۹)

ص: ۱۰۹

شبهه به این استدلال در کلمات امام علی علیه السلام آمده است ؛ چنان که می فرماید:

زَعَمَ الْمُنْجِمُ وَ الطَّيِّبُ كِلَاهُمَا أَنَّ لَا مَعَادَ فَقُلْتُ ذَاكَ إِلَيْكُمَا

إِنْ صَحَّ قَوْلُكُمَا فَلَسْتُ بِخَاسِرٍ أَوْ صَحَّ قَوْلِي فَأَلْوَبَالُ عَلَيْكُمَا(۱)

در دیوانی که منسوب به امام علی علیه السلام است، می خوانیم:

قَالَ الْمُنْجِمُ وَ الطَّيِّبُ كِلَاهُمَا لَنْ يَحْشُرَ الْأَمْوَاتُ قُلْتُ إِلَيْهِمَا

إِنْ صَحَّ قَوْلُكُمَا فَلَسْتُ بِخَاسِرٍ إِنْ صَحَّ قَوْلِي فَأَلْخِسَارُ إِلَيْكُمَا(۲)

«منجم و طیب هر دو می گویند که قیامتی وجود ندارد، به آنان می گویم: اگر قول و عقیده شما صحیح باشد، ما زیانی نکرده ایم، و اگر قول و

(۱۱۰) خداشناسی

ص: ۱۱۰

۱- بحار الانوار، ج ۷۸، ح ۹۲؛ ابن طلحه شافعی، محمد، مطالب السؤل، ص ۶۲.

۲- دیوان منسوب به امام علی علیه السلام، ص ۵۲۰

عقیده من صحیح باشد، شما از زیان کاران خواهید بود».

یکی از توابع اعتقاد به وجود خداوند، اعتقاد به قیامت است. اگر تصدیق به قیامت را با انکار آن بسنجیم، بدون شک تصدیق به قیامت را معقول تر خواهیم یافت؛ زیرا در صورت صحت اعتقاد به قیامت، شخص معتقد، زیانی نکرده است؛ ولی ناباوران گرفتار شقاوت ابدی خواهند شد. اما اگر چنین اعتقادی در واقع کاذب باشد، باز شخص معتقد، زیانی نکرده است و البته منکر نیز.

از خواندنی های تاریخ، مناظره امام رضا علیه السلام با مردی زندیق است؛ نوشته اند:

یکی از زنداقه وارد مجلسی شد که امام رضا علیه السلام نیز در آن مجلس حضور داشت. امام بدو فرمود: «ای مرد، اگر اعتقاد شما صحیح باشد که در واقع چنین نیست آیا ما با شما مساوی نیستیم؟ [زیرا] نماز و روزه و زکات و اقرار و تصدیق، زیانی به ما نمی رساند». آن مرد ساکت شد. سپس امام ادامه داد: «و اگر

۱. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی (۱۱۱)

ص: ۱۱۱

اعتقاد ما بر حق باشد که چنین است آیا نصیب شما هلاکت، و بهره ما رستگاری نیست؟^(۱)

۲. برهان فطرت

راه های اثبات وجود خدا دو گونه است: سیر آفاق و انفس؛ چنان که در قرآن آمده است: «سَيُتْرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»^(۲)؛ «به زودی نشانه های خود را در افق ها [ی گوناگون] و در دل هایشان بدیشان خواهیم نمود؛ تا بر ایشان روشن گردد که او خود حق است». راه آفاق، آن است که از طریق مشاهده مخلوقات و تدبر در حدوث و امکان و نظم پدیده ها، به وجود

(۱۱۲) خداشناسی

ص: ۱۱۲

۱- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی، ج ۱، ص ۷۸، ح ۳؛ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۲۸.
۲- ۵۳ / فصلت .

خالق و مدبری دانا و توانا پی برند. اما اگر انسان از راه تأمل در خود، پی به وجود خدا برد، و در برابر او که کمال مطلق است، سر تعظیم فرود آورد، خدا را از راه انفس یا فطرت یافته است. آیه مشهور قرآن در این باره، بدین قرار است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (۱)؛ «پس روی خود را به سوی آیین خالص پروردگار بگردان! این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده ؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار ؛ ولی اکثر مردم نمی دانند».

امام علی علیه السلام نیز در کلماتی به راه فطرت اشاره فرموده اند ؛ بدین شرح:

۲. برهان فطرت (۱۱۳)

ص: ۱۱۳

۱- ۳۰ / روم .

پس رسولانش را در میانشان گمارد و پیمبرانش را پیایی فرستاد تا از آنان بخواهند حق میثاق فطرت را بگزارند و نعمتی را که فراموششان شده به یادشان آرند و با رساندن حکم خدا جای عذری برایشان نگذارند و گنجینه های خود را برایشان بگشایند. (۱)

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که حمد خود را به بندگان الهام کرده است و سرشت آنان را با معرفت خود آمیخته است. (۲)

همانا، بهترین چیز که تقرب جویان به خدای سبحان بدان توصل می جویند، ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا است که موجب بلندی کلمه مسلمانی

ص: ۱۱۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱ .

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۵ .

است و یکتا دانستن پروردگار که مقتضای فطرت انسانی است. (۱)

خدایا، قلب ها را با اراده خود خلق کرده ای و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای. (۲)

(۱۱۴) خداشناسی

من بر فطرت مسلمانی زاده شده ام. (۳)

۲. برهان فطرت (۱۱۵)

شاید بحث درباره معنای فطرت، زمینه را برای آشنایی بیشتر با این برهان،

ص: ۱۱۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰؛ صدوق، علل الشرایع، ص ۲۴۷، ح ۱؛ برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج ۱، ص

۴۵۱، ح ۱۰۴۰؛ طوسی، الامالی، ص ۲۱۶، ح ۳۸۰؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۴۹.

۲- مَهْجُ الدَّعَوَاتِ، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴۰۳، ح ۳۴.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

مساعد کند. فطرت از ماده فَطَرَ در اصل به معنای آغاز و شروع است. از همین روی به معنای خلق نیز به کار می رود؛ زیرا خلق چیزی، به معنای ایجاد و آغاز وجود و تحقق آن است.

ابن عباس می گوید: در معنای آیه شریفه «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»، حیران بودم و معنای «فاطر» را نمی دانستم تا این که دو نفر که بر سر چاهی نزاع داشتند، نزد من آمدند و یکی از آن دو گفت: اَنَا فَطَرْتُهَا: یعنی من قبل از همه و برای اولین بار حفر آن را آغاز کردم. (۱) بنابراین «فَطَرَ» به معنای آغاز و ابتدا است و فطرت، به معنای حالت خاصی از شروع و آغاز است، که هم معنای

(۱۱۶) خداشناسی

ص: ۱۱۶

۱- احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۱۰؛ ابن اثیر جوزی، النهایه، ص ۴۵۷؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۶.

آفرینش می شود. اموری را می توان برای موجودی، فطری دانست که آفرینش آن، اقتضای آن ها را دارد. امور فطری، سه ویژگی مهم دارند:

۱. در تمام افراد یک نوع وجود دارند؛ البته با شدت و ضعف؛

۲. همواره ثابت و تبدیل ناپذیرند و چنان نیست که در برهه ای از تاریخ اقتضای خاصی داشته باشند، و در برهه ای دیگر اقتضایی دیگر؛ چنان که قرآن می فرماید: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (۱).

۳. امور فطری از آن حیث که فطری و مقتضای آفرینش موجودی هستند، نیاز به تعلیم و تعلم ندارند؛ هرچند تقویت و یادآوری و یا جهت دادن به آن ها نیاز به آموزش و پرورش دارد.

۲. برهان فطرت (۱۱۷)

ص: ۱۱۷

۱- ۳۰ / روم .

پس از روشن تر شدن معنای فطرت و امور فطری، اکنون باید دید چه اموری، فطری انسان هستند. فطریات انسان را می توان را دو دسته تقسیم کرد:

الف: شناخت های فطری ؛

ب: گرایش های فطری .

نوعی شناخت خدا که نیازی به آموزش و فراگیری ندارد، خداشناسی فطری است، و اگر نوعی گرایش به سوی خدا و پرستش او در هر انسانی باشد، می توان آن را خداپرستی فطری نامید. اما نه خداشناسی و نه خداپرستی، آن گونه آگاهانه نیست که انسان را از تلاش عقلانی یا استمداد از پیامبران برای شناخت خداوند، بی نیاز کند.

بر فطری بودن خداشناسی، هم دلیل نقلی و هم دلیل عقلی فلسفی اقامه کرده اند. نمونه هایی از آن دلایل بدین قرار است:

(۱۱۸) خداشناسی

ص: ۱۱۸

از آیات و روایات، نیک برمی آید که خداشناسی، فطری است. بدین معنا که ما پیش تر معرفتی نسبت به خداوند داشته ایم، ولی آن را فراموش کرده ایم؛ پیامبران ما را به تأمل در آفاق و انفس خواندند، تا به شناخت فطری آگاهی پیدا کنیم؛ یعنی انبیاء نگفتند که ای مردم بدانید که خدا وجود دارد؛ بلکه گفتند: «ای مردم، بدانید که می دانید خدا وجود دارد». قرآن نیز می فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» (۱)؛ «پس یادآوری کن که تو تنها تذکر دهنده ای». به تعبیر امام علی علیه السلام «لَيْسَ تَأْدُوهُمْ مِثَاقَ فِطْرَتِهِ...» (۲) همچنین هنگامی که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند که آیا پروردگارت را هنگام پرستش دیده ای، فرمود: من عبادت نمی کنم پروردگاری که را که ندیده ام؛ «مَا كُنْتُ أَعْبُدُ رَبِّيَا لَمْ أَرَهُ». وقتی پرسیدند چگونه دیده ای، فرمود:

۲. برهان فطرت (۱۱۹)

ص: ۱۱۹

۱- ۲۱ / غاشیه .

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱.

«لَا تُدْرِكُهُ الْعْيُونُ فِي مُشَاهَدَةِ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ» ؛ (۱) «چشم‌ها هنگام نظر افکندن، او را نمی‌یابند، بلکه دل‌ها با حقایق ایمان او را می‌بینند».

در این جا دو پرسش روی می‌نماید:

۱. در چه زمانی انسان به این شناخت و رؤیت قلبی نائل شده است؟

۲. آیا شناخت و رؤیت قلبی خدا، اختصاص به برخی انسان‌ها دارد، یا تمامی انسان‌ها از چنین معرفتی برخوردارند؟

آیه «مِثَاق» در قرآن از زمانی سخن می‌گوید که پروردگار از پشت بنی آدم، فرزندان‌شان را بیرون آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفته، پرسیدند: «آیا من

(۱۲۰) خداشناسی

ص: ۱۲۰

۱- الکافی، ج ۱، ص ۹۸، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹.

پروردگارتان نیستم؟» گفتند: «آری؛ گواهی دادیم». (۱)

از این آیه به خوبی برمی آید که گفت و گویی میان خدا و همه انسان ها صورت گرفته است، و همه آنان به خداوندی خدا و این که او پروردگار هستی است، اعتراف و شهادت داده اند تا بهانه ای برای آنان در روز قیامت نباشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره «میثاق» آمده است: «شناخت خدا در قلب ها ثابت ماند، آنان متوقف میثاق را فراموش کردند و روزی به یادشان خواهد آمد و اگر این مسئله نبود، کسی نمی دانست آفریننده و روزی رسانش کیست». (۲) همان امام بزرگوار درباره معرفت قلبی نیز می فرماید: «كَانَ ذَلِكَ مُعَايَنَةَ اللَّهِ فَأَنْسَاهُمْ

۲. برهان فطرت (۱۲۱)

ص: ۱۲۱

۱- ۱۷۲ / اعراف .

۲- برقی، ابو جعفر، المحاسن، ج ۱، ص ۳۷۶.

الْمُعَايَنَةِ وَ أُثْبِتَ الْاِقْرَارَ فِي صُدُورِهِمْ» (۱)؛ «آنچه در آیه میثاق آمده است، معاینه خدا بود. پس از آن، خداوند معاینه را از یاد آنان برد و اقرار را در قلب هایشان ثابت و استوار ساخت». از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا مؤمنان در روز قیامت خدا را مشاهده خواهند کرد؟ امام فرمود: «بلی، و قبل از روز قیامت نیز او را مشاهده کرده اند». پرسید: در چه زمانی؟ امام فرمود: «وقتی که به آنان گفته شد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى». آن گاه امام مدتی سکوت کرد و سپس فرمود: «همانا مؤمنان در دنیا و قبل از قیامت نیز خدا را مشاهده می کنند. آیا اکنون خدا را نمی بینی؟... مشاهده قلبی، همچون نگریستن با چشم نیست» (۲). از تعبیر دیگر امام علی علیه السلام چنین برمی آید که معرفت خدا با سرشت انسان عجین شده و

ص: ۱۲۲

۱- همان، ص ۴۳۸ .

۲- صدوق، التوحید، ص ۱۱۷ .

از بدو خلقت انسان، چنین معرفتی ملازم او بوده است:

(۱۲۲) خداشناسی

«اللَّهُمَّ... فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ» (۱).

«فَاطَرَهُمْ عَلَى مَعْرِفَةِ رَبُّوبِيَّتِهِ» (۲).

بنابراین ویژگی های معرفت فطری خدا چنین است:

۱. سابقه آن به پیش از جهان کنونی برمی گردد؛ یعنی عالم ذر که خداوند در آن با انسان ها عهد و میثاق بسته است.

۲. در ابتدا شناخت خدا، در نهایت شدت و عمق بوده است؛ به طوری که از آن تعبیر به مشاهده و معاینه شده است.

۲. برهان فطرت (۱۲۳)

ص: ۱۲۳

۱- مَهْجُ الدَّعَوَات، ص ۱۵۴؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴۰۳، ح ۳۴.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۵.

۳. انسان، موقف آن میثاق و شدت این شناخت را فراموش کرده است؛ اما اصل معرفت به خدا و اقرار به آن در جان و روح او باقی است و در همین جهان با درجات متفاوت به یاد او می آید.

۴. معرفت قلبی خدا در انحصار گروهی خاص از انسان ها نیست؛ بلکه خداوند در آغاز خلقت، خویش را به همه انسان ها شناسانده و از همه آنان در این باره اقرار گرفته است. بنابراین معرفت خود را با سرشت انسان، عجین کرده است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرموده اند: «هر مولودی بر فطرت متولد می شود» می فرمایند: «يَعْنِي عَلَى الْمَعْرِفَةِ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

(۱۲۴) خداشناسی

ص: ۱۲۴

خَالِقُهُ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ﴿١﴾؛ «مراد از فطرت، معرفت به این امر است که خدا خالق او است و این آیه نیز به همین مطلب اشاره دارد: اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است، خواهند گفت: خدا» (٢)

بنابراین، همه انسان ها حتی فرزندان مشرکان، هنگام تولد معرفت خدا را همراه خود دارند و با فطرت الهی متولد می شوند. اصل معرفت خدا در روح و

٢. برهان فطرت (١٢٥)

جان آدمی باقی است و در جهان کنونی به درجات مختلف به یاد انسان می آید، و راه های عقلی خداشناسی در واقع تنبه و یادآوری این رؤیت فطری خدا در

ص: ١٢٥

١- ٢٥ / لقمان ؛ ٣٩ / زمر.

٢- صدوق، التوحید، ص ٣٣١، کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ٢، ص ١٣.

۳. برهان نظم

بدون شک، برهان نظم از متداول ترین براهینی است که برای وجود خدا اقامه شده است. این برهان نیز همانند بعضی از براهین اثبات وجود خدا، تاریخی به بلندی عمر انسان ها دارد. آدمیان از دیرباز با مشاهده پدیده های منظم و هماهنگی به این فکر می افتادند که این نظم و هماهنگی در میان موجودات، معلول چیست. آیا خود اجزا با همکاری یکدیگر این نظم را پدید آورده اند؟ یا این که ناظمی حکیم و مدبر، آن ها را چنین، منظم کرده است؟ انسان بر اثر تأمل و تعمق در ساختار موجودات، به این نتیجه می رسد که ناظمی حکیم، چنین ساختار منظمی را پدید آورده است و به تعبیری این مجموعه های منظم، نشانه های تدبیری است که ما را به خدا رهنمون می کند. چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «خداوند با

نشانه های تدبیر که در آفریدگانش دیده می شود، بر عقل ها آشکار شده است» (۱).

(۱۲۶) خداشناسی

برهان نظم را می توان چنین باز گفت:

مقدمه اول: عالم طبیعت، پدیده ای منظم است؛ یا این که در عالم طبیعت، پدیده های منظم وجود دارد؛

مقدمه دوم: بر اساس بداهت عقلی، هر نظم از ناظم حکیم و با شعوری برخاسته است که براساس آگاهی و علم خویش، اجزای پدیده منظم را با هماهنگی و آرایش خاصی برای وصول به هدف مشخصی در کنار هم نهاده و آن را براساس طرح حکیمانه ای منظم ساخته است.

بنابراین عالم طبیعت که پدیده ای است منظم، ناظم حکیم و باشعوری آن را تدبیر کرده است.

۳. برهان نظم (۱۲۷)

ص: ۱۲۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۱.

در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به ویژه در سخنان امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این برهان اشاره شده است. برخی از آن ها را یادآور می شویم و سپس تقریرهای مختلف برهان نظم را با استشهاد به کلمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام بازمی گوئیم.

۱. قرآن در آیات بسیاری، از جمله آیه زیر، به موارد نظم در آسمان ها و زمین و خلقت انسان ها و جنبندگان اشاره می کند و آن ها را نشانه هایی بر ناظم حکیم می شناساند:

به راستی در آسمان ها و زمین، برای مؤمنان نشانه هایی است و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبندگان پراکنده می گرداند، برای مردمی که یقین دارند، نشانه هایی است و [نیز در] پیایی آمدن شب و روز و آنچه خدا از آسمان

(۱۲۸) خداشناسی

ص: ۱۲۸

فرود آورده و با آن، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است و [همچنین] گردش بادها [به هر سو] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است. این [ها] است آیات خدا که به راستی آن را بر تو می خوانیم. پس، بعد از خدا و نشانه های او به کدام سخن خواهند گروید. (۱)

۲. امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز از نظم و تدبیر جهان و موجودات بسیار سخن گفته اند؛ پاره ای از آن ها بدین قرار است؛

در اتقان صنع، نشانه ای کافی بر خداوند است و در ترکیب طبیعت [اشیا] دلیل کافی بر او وجود دارد و در حدود خلقت، برهان کافی بر قدیم بودن او، و در

۳. برهان نظم (۱۲۹)

ص: ۱۲۹

استحکام صنّع مخلوقات، عبرتی است کافی برای شناخت او. (۱)

آثار حکمت خدا در آفریده های بدیعش هویدا است و آنچه آفریده حجت و دلیلی بر وجود او است و همه منتسب به اویند. هرچند مخلوقی خاموشند، دلیل گویا بر تدبیر ذات پاک او هستند. (۲)

آیا به خُردترین چیز که آفریده، نمی نگرند که چسان آفرینش او را استوار داشته و ترکیب آن را برقرار؛ آن را شنوایی و بینایی بخشیده و برایش استخوان

(۱۳۰) خداشناسی

ص: ۱۳۰

۱- صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۱۵؛ همو، التوحید، ص ۶۹، ح ۲۶؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۲۱، ح ۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۱، صدوق، التوحید، ص ۵۲؛ بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۱۰۷، ح ۹۰.

و پوست آفریده. بنگرید به مورچه که جُثه او کوچک و پیکرش لطیف و زیبا است. (۱)

از مجموع آیات و روایات به خوبی برمی آید که یکی از راه های شناخت خدا، تأمل در آثار صنع و حکمت خداوند است، و در نظم شگفت انگیز آفریدگان می توان دست توانای خداوند را که ناظم جهان است، دید. اینک به توضیح مفهوم نظم و ویژگی های آن و تقریرهای مختلف این برهان می پردازیم.

در برهان نظم از موارد جزئی نظم، پی به ناظم حکیم برده می شود. امروزه

۳. برهان نظم (۱۳۱)

بعضی برآنند که برهان نظم غیر از برهان غایی است؛ زیرا تأکید برهان نظم بر موارد جزئی نظم است، اما برهان غایی از یک مجموعه هماهنگ به نام جهان،

ص: ۱۳۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۸۱، ح ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶، ح ۱.

سخن می گوید. در بیانات امیرالمؤمنین علی علیه السلام هر دو تقریر وجود دارد. اکنون به تقریر برهان نظم از دیدگاه آن امام گرامی می پردازیم.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در بیانات خود بسیار به موارد جزئی نظم، مانند نظم در آسمان ها و زمین، طاووس، ملخ، خفاش، مورچه و خزندگان، و نظم موجود در ساختار انسان اشاره فرموده اند که در این جا به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

خداوند موجودات عجیب و شگفت را آفرید؛ بعضی جاندار و بعضی بی جان و بعضی ساکن و آرام (مانند کوه ها) و بعضی متحرک (مانند ستارگان). [این ها] دلیل آشکاری است، بر زیبایی آفرینش او بر بزرگی [و] توانایی اش، گواهی می دهند (۱).

(۱۳۲) خداشناسی

ص: ۱۳۲

و شگفت انگیزتر، میان پرندگان در آفرینش، طاووس است که آن را در استوارترین هیئت پرداخت، و رنگ های او را نیکوترین ترتیب داد؛ با پری که نای استخوان های آن را به هم درآورد، و دُمی که کشش آن را دراز کرد. چون به سوی ماده پیش رود، آن دُم درهم پیچیده را می گشاید و بر سر خود برمی افرازد، که گویی بادبانی است برافراشته و کشتیان زمام آن را بداشته. به رنگ های خود می نازد، و خرامان خرامان دُم خود را را بدین سو و آن سو می برد و سوی ماده می تازد... اگر آن را همانند کنی بدان چه زمین رویانیده، گویی گل های بهاره است و از این سوی و آن سوی چیده، و اگر به پوشیدنی اش همانند سازی، همچون حله ها است نگارین و فریبا، یا چون بُرد یمانی زیبا، و اگر به زیورش همانند کنی،

۳. برهان نظم (۱۳۳)

ص: ۱۳۳

نگین ها است رنگارنگ، در سیم ها، نشانده، خوش نما چون نقش ارژنگک. (۱)

اگر می خواهی از ملخ بگویم که دو دیده سرخ آفرید برای آن، و دو حدقه برایش افروخت چون ماه تابان و او را گوشی بداد پوشیده و پنهان، و دهانی گشود به اعتدال و حسی نیرومند و به کمال. و دو دندان پیشین که بدان ها ببرد و دو پای داس مانند که بدان ها چیزی را بگیرد. کشاورزان در کشت خود از آن می ترسند و توانایی راندنش را ندارند؛ هرچند همه کسان خود را فراهم آرند، تا گاهی که در جست و خیزهایش روی به کشته آرد، هرچه خواهش آن است روا دارد. و همه اندام ملخ به اندازه یک انگشت باریک نیست و این حقیقتی است. (۲)

(۱۳۴) خداشناسی

ص: ۱۳۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵.

۲- همان، خطبه ۱۸۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۸۳، ح ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷، ح ۱.

پس از آن که حق تعالی، زمین را پهن کرد و امر خود را به آفرینش انسان جاری ساخت، آدم علیه السلام را برگزید و او را برتر از سایر مخلوقاتش گردانید. (۱)

و با سازواری که میان چیزها پدید آورد، دانسته شد که برای او قرینی نتوان تصور کرد. روشنی را ضد تاریکی قرار داد، و سپیدی را ضد سیاهی، و تری را مخالف خشکی و گرمی را مخالف سردی نهاد و ناسازواری های طبیعت را با یکدیگر آشتی داد و جداها را به هم نزدیک کرد، و دورها را کنار هم نشانند و نزدیک ها را جدا گرداند. (۲)

پس کجی های هر چیز را راست کرد، و مرزهای هر یک را برابر آورد. و

۳. برهان نظم (۱۳۵)

ناهماهنگ ها را به قدرت خود هماهنگ ساخت، و طرح هر یک را در آن چه مناسب

ص: ۱۳۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

آن بود، انداخت و آن ها را جنس هایی کرد از شماره برون در حد و اندازه و غریزه و هیئت های گونه گون؛ پدیده هایی که آفرینش آن ها را استوار کرد، و هر یکی را به سرشتی که خود خواست، درآورد. (۱)

گشادگی [و تنگی] و پست و بلندی ها [ی آسمان] را منظم کرد، و شکاف های آن را به هم آورد؛ و هر یک را با آن چه جفت آن بود، پیوند داد... آسمان را که دودی بود متراکم، بخواند، بیامد و سر بر خط گذاشت و هر جزء آن جزء دیگری را نگاه داشت. پس درهای بسته آن را بگشاد... و آفتاب را آیتی کرد روشن کننده که به روز درآید؛ و ماه را آیتی که تاریکی شب، نور آن بزدايد. پس آفتاب و ماه را در منزلگاه هاشان روان فرمود، و مدت گردش آن دو را در خانه ها

(۱۳۶) خداشناسی

ص: ۱۳۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱.

معین نمود تا بدین گردش، روز را از شب داند و حساب سالیان و اندازه گیری زمان را تواند. (۱)

زمین را پدید آورد و نگاهش داشت، بی آن که خود را بدان مشغول دارد، و برجایش ایستاده گرداند، بی آن که آن را بر چیزی نهد، و بر پایش داشت بی پایه ها، و بالا بردش بی استوانه ها، و نگاهش داشت از کجی و خمیدن، و بازداشت آن را از افتادن و شکافتن. میخ های آن را کوبید و سدها را گرداگردش برافروخت. چشمه های آن را روان گردانید و دره های آن را بشکافانید. آن چه را ساخت، سست نگردید، و آن را که نیرویش بخشید، ناتوان نشد. (۲)

۳. برهان نظم (۱۳۷)

ص: ۱۳۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱۰۸، ح ۹۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۷.

پس خدای، فضای میان زمین و آسمان را فراخ ساخت، و هوا را برای نفس کشیدن برداخت. و اهل زمین را در آن ساکن فرمود، با آن چه بایسته آنان می بود. و زمین های خشک را، که آب چشمه ها نتوانست خود را به پستی و بلندی های آن رساند، و جوی های خرد و بزرگ در رسیدن بدان زمین ها درماند، وانگذاشت. ابرهایی آفرید و بر آن زمین ها بگماشت تا مرده آن را زنده گرداند و گیاه آن را برویاند. (۱)

پس چون زمین خود را بگسترد و فرمان خویش روان کرد، از میان آفریدگان، آدم را برگزید. (۲)

(۱۳۸) خداشناسی

ص: ۱۳۸

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۱؛ بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۸، ح ۱۵.

پس چه کسی تو را به مکیدن شیر از پستان مادرت رهنمون گشت. (۱)

قرآن نیز از هماهنگی بین عالم خبر می دهد که به دو نمونه آن اشاره می کنیم: از نشانه های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند، قطعاً نشانه هایی است. (۲)

و او است کسی که از آسمان، آب را فرود آورد؛ پس با آن از هرگونه گیاهی را برآوردیم، و از آن [گیاه] جوانه سبز رویاندیم. (۳)

۳. برهان نظم (۱۳۹)

ص: ۱۳۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳ .

۲- ۲۱ / روم .

۳- ۹۹ / انعام .

یکی از راه های اثبات وجود خدا، برهان علی است که در آن خدا از راه معلولیت عالم، ثابت می شود. امام علی علیه السلام در تعبیری، به این برهان اشاره کرده اند؛ از جمله:

هر موجودی غیر از خداوند معلول است؛ کُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٍ. (۱)

هر چیزی به خدا قیام دارد؛ کُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ. (۲)

هر چیزی خاشع و قائم به خدا است و خدا غنای هر فقیری و عزت هر خواری و قوت هر ضعیفی است؛ کُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ، وَ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ، غِنَى كُلِّ

(۱۴۰) خداشناسی

ص: ۱۴۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۱۰، ح ۱۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۴۳.

فَقِيرٌ وَ عَزُ كُلُّ دَلِيلٍ وَ قُوَّةٌ كُلُّ ضَعِيفٍ. (۱)

خدا از هر چیزی بی نیاز است و هیچ چیز از او بی نیاز نیست ؛ سُبْحَانَ الْعَنِيِّ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا شَيْءٌ مِنْ الْأَشْيَاءِ يُعْنِي عَنْهُ (۲)

خلق هر چیزی از خدا است ؛ مِنْهُ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ لِالْخَلْقِ. (۳)

هر قومی غیر از خداوند، ضعیف است و هر ضعیفی وابسته به غنی است و فقط خدا بی نیاز از هر چیزی است ؛ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ. (۴)

۴. برهان علی (۱۴۱)

ص: ۱۴۱

-
- ۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹ ؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۴۳.
 - ۲- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۴۸.
 - ۳- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۳۱، ح ۲۴.
 - ۴- نهج البلاغه، خطبه ۶۵ ؛ غرر الحکم، ح ۶۸۸۴.

از این بیانات نیک برمی آید که همه اشیا غیر از خداوند، معلول و در نتیجه قائم به خداوندند.

تقریر برهان علی، به اختصار، چنین است؛

یک. جهان معلول است؛ دو. هر معلولی نیازمند علت است. بنابراین جهان که معلول است، نیازمند علتی است که آن یا خدا است و یا در نهایت به خدا منتهی می شود. از این رو خدا وجود دارد.

بنابراین جهان، معلول است و امام علی علیه السلام نیز فرموده اند: هر چیزی غیر از خداوند، معلول است؛ **كُلُّ قَائِمٍ فِي سِوَاهُ مَعْلُولٌ**.^(۱) در کلامی دیگر، قیام همه اشیا

(۱۴۲) خداشناسی

ص: ۱۴۲

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶؛ بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۱۰، ح ۱۴.

را به خداوند، دانسته اند؛ کُلُّ شَيْءٍ عِندَهُ بِحُسْنِ عِلْمٍ (۱) نیز نقل کرده اند که فرمود: او است که حیات و نور هر موجودی است؛ هُوَ حَيَاةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ نُورُ كُلِّ شَيْءٍ (۲).

۵. برهان معجزه

یکی از راه های شناخت خدا، معجزه است. انسان با مشاهده معجزه، دستِ توانای خدا را می بیند. از همین رو پیامبران برای اثبات صدق دعوی خود و اتمام حجت، به اذن خدا، معجزه می آوردند. در قرآن، معجزات بسیاری به انبیای گذشته نسبت داده شده است که به اذن خداوند بر ایجاد آن ها قدرت پیدا

۵. برهان معجزه (۱۴۳)

می کردند. بر این گونه حوادث در قرآن، آیه، بینه، حجت، برهان و سلطان اطلاق

ص: ۱۴۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹؛ بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۱۷، ح ۴۳.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۰، ح ۸.

شده است. غرض و غایت عمده این آیات و نشانه‌ها، اثباتِ حقایقِ مدعی رسالت بوده است. تحدی و مبارزه طلبی قرآن، نشانه اعجاز آن است و این ماجرا چندین بار در قرآن تکرار شده است.

بنابراین انسان با مشاهده قرآن که معجزه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است، می‌تواند پی به خدا ببرد؛ زیرا هر اثری دلالت بر مؤثر خود دارد. در این جا اثر که قرآن است جز از خدا صادر نمی‌شود. در قرآن و روایات معصومین علیه السلام مخصوصا کلمات امام علی علیه السلام تعبیری وجود دارد که قرآن را دلیل وجود خدا گرفته اند؛ چنان که قرآن خود فرموده است:

«أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (۱)

(۱۴۴) خداشناسی

ص: ۱۴۴

«آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود، قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند».

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَ اَشْتَدُّ لَوْهُ عَلٰی رَبِّكُمْ ؛ (۱) «قرآن را دلیل گیرید بر شناخت پروردگارتان».

فَالْقُرْآنُ... حُجَّةُ اللَّهِ عَلٰی خَلْقِهِ ؛ (۲) «قرآن... حجت خدا است بر آفریدگانش».

فَتَجَلَّى سُبْحَانَهُ لَهُمْ فِي كِتَابِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونُوا رَأَوْهُ ؛ «پس خدای سبحان در کتاب خویش، بی آن که او را ببینند، خود را به ایشان (بندگان) نمایانده است».

بنابراین انسان با مشاهده قرآن و عدم اختلاف در آن و سایر جنبه های

۵. برهان معجزه (۱۴۵)

اعجاز، درمی یابد که این کتاب جز از جانب خدا نیست. به دیگر سخن، حکمت و

ص: ۱۴۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- همان، خطبه ۱۸۴.

تدبیر خدا در این کتاب تجلی یافته، انسان با مشاهده آن، پی به خداوند می برد.

معجزه و ویژگی هایی دارد که بدین قرار است:

۱. مدعی نبوت آن را برای اثبات صدق گفتار خویش اقامه کند.

اگر از اولیای الهی امور خارق العاده سرزنند، ملازم با دعوی نبوت نیست و به آن ها کرامت می گویند؛ مثل آماده شده غذا برای حضرت مریم. (۱)

۲. باید مطابق خواسته مدعی نبوت باشد.

۳. مردم از انجام آن ناتوانند و راهی برای تعلیم و تعلم آن وجود ندارد؛ چنان که قرآن می فرماید: «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا» (۲)؛ «بگو: اگر انس و جن

(۱۴۶) خداشناسی

ص: ۱۴۶

۱- ۳۷ / آل عمران .

۲- ۸۸ / اسراء .

گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ هرچند برخی از آن‌ها پشتیبان برخی [دیگر] باشند» .

۴. همراه تحدی است؛ یعنی مدعی نبوت، دیگران را به مقابله دعوت کند. ممکن است کسی امور خارق العاده انجام دهد، ولی جرأت تحدی نداشته باشد؛ زیرا ممکن است دیگری بهتر از او را بیاورد. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ» (۱)؛ «اگر در آن چه بر بنده خود نازل کردیم، شک دارید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید».

۵. برهان معجزه (۱۴۷)

۵. خارق العاده باشد، نه عادی. امر خارق العاده را می‌توان به دو صورت

ص: ۱۴۷

تصویر کرد: گاهی منظور از خارق العاده، اموری است که منافی عقل است، مثل اجتماع تناقض، و یا ارتفاع تناقض یا این که معلولی بدون علت تحقق پیدا کند. معنای دیگر خارق العاده، اموری است که مخالف قواعد عادی است؛ یعنی به حسب قواعد و وسایل عادی، محال است، ولی عقل به مخالفت با آن بر نمی خیزد؛ مثل ماجرای تخت بلقیس به حسب قوانین عادی، جسم مادی نمی تواند فاصله دور را در یک چشم بر هم زدن طی کند، ولی امتناع عقلی ندارد. (۱)

۶. محدود به نوع خاصی نیست. تبدیل عصا به اژدها، دست از گریبان بیرون آوردن و درخشش آن، زدن عصا به دریا و شکافتن آب دریا، از گل پرنده ساختن،

(۱۴۸) خداشناسی

ص: ۱۴۸

۱- مانند ماجرای تخت بلقیس که یکی از اطرافیان سلیمان علیه السلام آن را در یک چشم بر هم زدن، حاضر کرد. (ر.ک: ۴۰ / نمل).

شفای نابینایان و زنده کردن مردگان و... شمه ای از کارستان معجزه است. (۱)

قرآن همه این ویژگی ها را دارا است؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قرآن را برای صدق گفتار خویش که باز همان قرآن است، اقامه کرده است و مطابق خواست او و همراه تحدی بوده و دیگران نیز از آوردن مثل آن ناتوان بوده اند.

۶. برهان فسخ عزائم

یکی از راه های اثبات وجود خدا، برهان فسخ عزائم است که امام علی علیه السلام از این راه نیز بهره برده و فرموده اند: «عَرَفْتُ اللَّهَ - سَبَّحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ، وَ حَلِّ الْعُقُودِ، وَ نَقْضِ الْهَمَمِ» (۲)؛ «من خدا را به فسخ تصمیم ها و بازگشایی مشکلات و

۶. برهان فسخ عزائم (۱۴۹)

ص: ۱۴۹

۱- برگرفته از: سبحانی، جعفر، الهیات، ص ۳۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۰؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۳۸.

شکسته شدن نیت ها، شناختم». در روایتی آمده است که مردی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید: «به چه چیز پروردگارت را شناختی؛ حضرت فرمود: من پروردگارم را به فسخ عزم و شکسته شدن نیت شناختم: چون قصد و نیت کاری را کردم و مانعی بین من و تصمیم و نیت پیدا شد، و چون عزم آن کردم، قضا با عزم من مخالفت کرد، دانستم که مدبری غیر از من هست». (۱) در روایتی دیگر از امام سؤال می شود: چه دلیلی بر اثبات صانع وجود دارد؟ امام می فرمایند: «سه چیز: دگرگونی حال و ضعف ارکان و قوا، و شکسته شدن نیت». (۲) گاه انسان

(۱۵۰) خداشناسی

ص: ۱۵۰

-
- ۱- التوحید، ص ۲۸۸؛ الخصال، ص ۳۳؛ علامه حلی، مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۳۱.
 - ۲- سبزواری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ج ۳۹، ص ۲۸؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۵، ح ۲۹.

تفسیر نمونه، آیه الله العظمی مکارم شیرازی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۴

مجمع البیان، تألیف مرحوم آیه الله طبرسی، انتشارات فراهانی

بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۹۵

تفسیر المیزان

ذکر جمیل سعدی

لقاء الله امام خمینی «ره»

نهج البلاغه، فیض الاسلام

صحیح الکافی

چهل حدیث قدسی، نشر اسلامی

مناجات الشاکین، مناجات خمسہ عشر

ص: ۱۵۱

مفاتیح الجنان، محدث قمی «ره»

لمعات الحسین، به نقل از ملحقات احقاق الحق

مصباح المنیر، آیه الله مشکینی

صحیفه علویه

رساله لقاء الله آیه الله میرزا جواد ملکی تبریزی

شرح دعای کمیل، زمردیان

امثال القرآن، آیه الله العظمی مکارم شیرازی

دانشنامه امام علی، علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۲

ص: ۱۵۲

متن تأییدیه حضرت آیت الله خزعلی مفسر و حافظ کل قرآن کریم ●●● ۵

مقدمه ●●● ۷

رهنمود قرآن برای خداشناسی ●●● ۹

قدرت بی انتها ●●● ۱۰

تفکر در جهان آفرینش ●●● ۱۱

خدای تعالی حقّ است ●●● ۱۲

خلقت انسان نشانه قدرت خداست ●●● ۱۴

عظمت خلقت نشان از خالق توانا دارد ●●● ۱۵

فهرست مطالب

موضوع صفحه

پویائی آفرینش ●●● ۱۶

شگفتی های خلقت راهی روشن به سوی خداشناسی ●●● ۱۸

شناخت عظمت خدا از طریق توجه در آفرینش انسان ●●● ۱۹

وصول به مقام قرب الهی ●●● ۲۲

توحید ناب ●●● ۲۳

معرفت علوی ●●● ۲۶

آثار خداشناسی در حدیث قدسی ●●● ۲۹

ص: ۱۵۴

فهرست مطالب

موضوع صفحه

معارفِ حَقّه ●●● ۳۲

پیمانِ متعهد ●●● ۳۳

مسیرِ خداشناسی در کلام امام سجّاد علیه السلام ●●● ۳۵

کمالِ معرفت ●●● ۴۰

ترسیمِ معرفت ●●● ۴۲

آئینه خداشناسی ●●● ۴۴

مقامِ رضا ●●● ۴۵

انوارِ معرفت ●●● ۴۷

ص: ۱۵۵

فهرست مطالب

موضوع صفحه

بهترین اظهار بندگی خدا ●●● ۴۸

ویژگی انسان خداشناس ●●● ۵۰

رجوع به غیر خدا مایه یأس و نومیدی است ●●● ۵۳

معرفتِ عملی ●●● ۵۴

مقام بندگی و خضوع ●●● ۵۶

خجالت و سرافکنندگی ●●● ۵۷

بندگی خدا افتخار انسان ●●● ۵۹

عجائب خلقت نشان از عظمت خالق دارد ●●● ۶۲

ص: ۱۵۶

فهرست مطالب

موضوع صفحه

تأمین رزق و روزی از ناحیه خداوند حکیم ●●● ۶۴

رزقِ مقدر ●●● ۶۵

وصیتِ امیرالمؤمنین علیه السلام ●●● ۶۸

نصایحِ حکیمانه ●●● ۶۹

ایمانِ ثابت و عاریه ●●● ۷۰

مواهبِ معرفتِ ولایت ●●● ۷۲

معرفتِ حسینی ●●● ۷۴

حکیمِ علی الاطلاق ●●● ۷۵

ص: ۱۵۷

فهرست مطالب

موضوع صفحه

علمُ اليقين ●●● ۷۸

هدایتِ حقیقی ●●● ۸۰

بی نیازِ حقیقی و نیازمندِ حقیقی ●●● ۸۳

آیا می توان خدا را با چشم دید؟ ●●● ۸۵

ثمره خدانشناسی شکر نعمت هاست ●●● ۹۰

فقر و بدبختی دستاورد کفر و ناسپاسی است ●●● ۹۹

ولایت معصومین علیهم السلام شجره طیبه خدانشناسی است ●●● ۱۰۲

خدانشناسی در کلام علی علیه السلام ●●● ۱۰۵

ص: ۱۵۸

۱. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی ●●● ۱۰۸

۲. برهان فطرت ●●● ۱۱۲

۳. برهان نظم ●●● ۱۲۶

۴. برهان علیّ ●●● ۱۴۰

۵. برهان معجزه ●●● ۱۴۳

۶. برهان فسخ عزائم ●●● ۱۴۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

